

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0537

<http://hdl.handle.net/2333.1/0vt4b9kf>

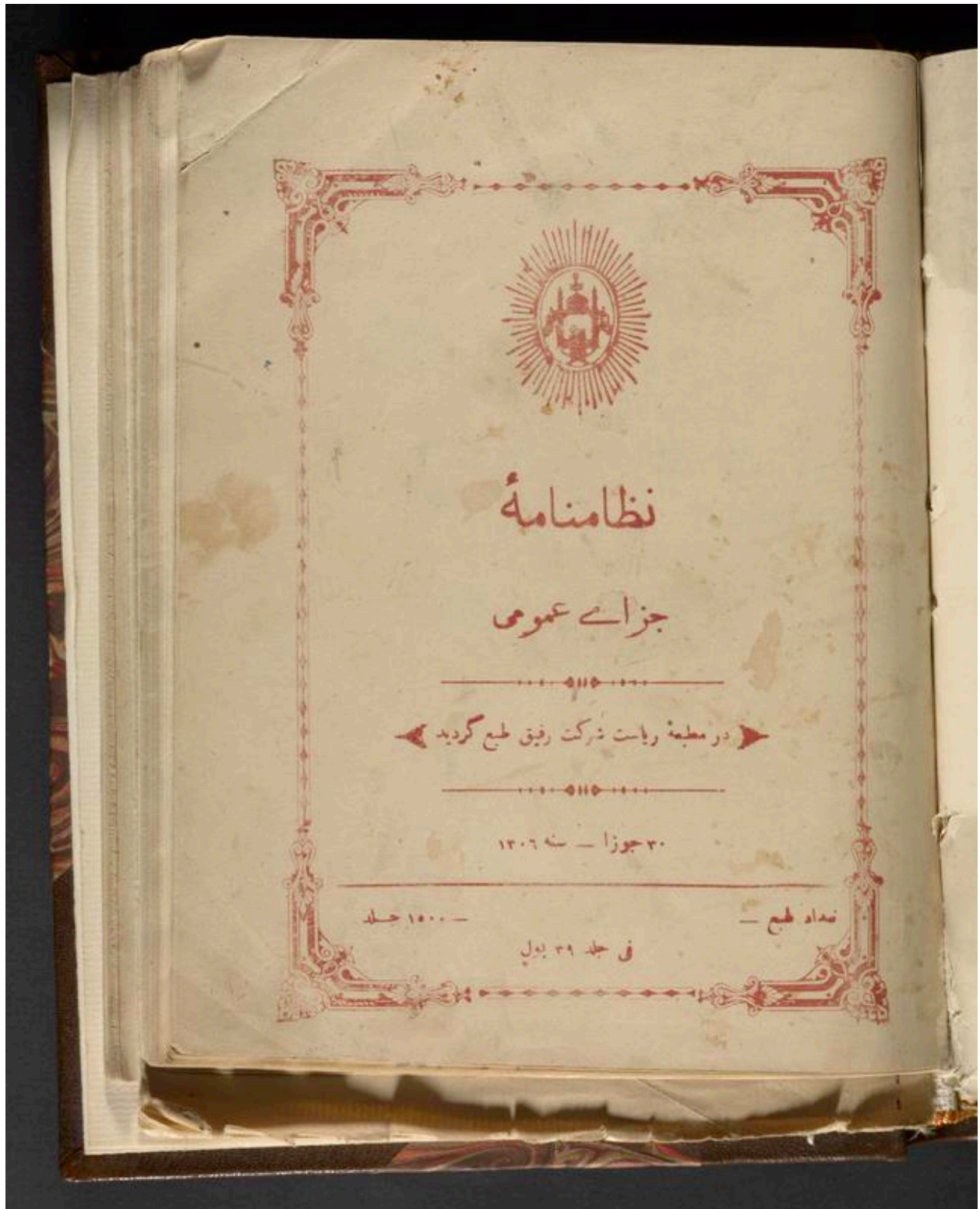


This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu



نظامنامه

جزاے عمومی

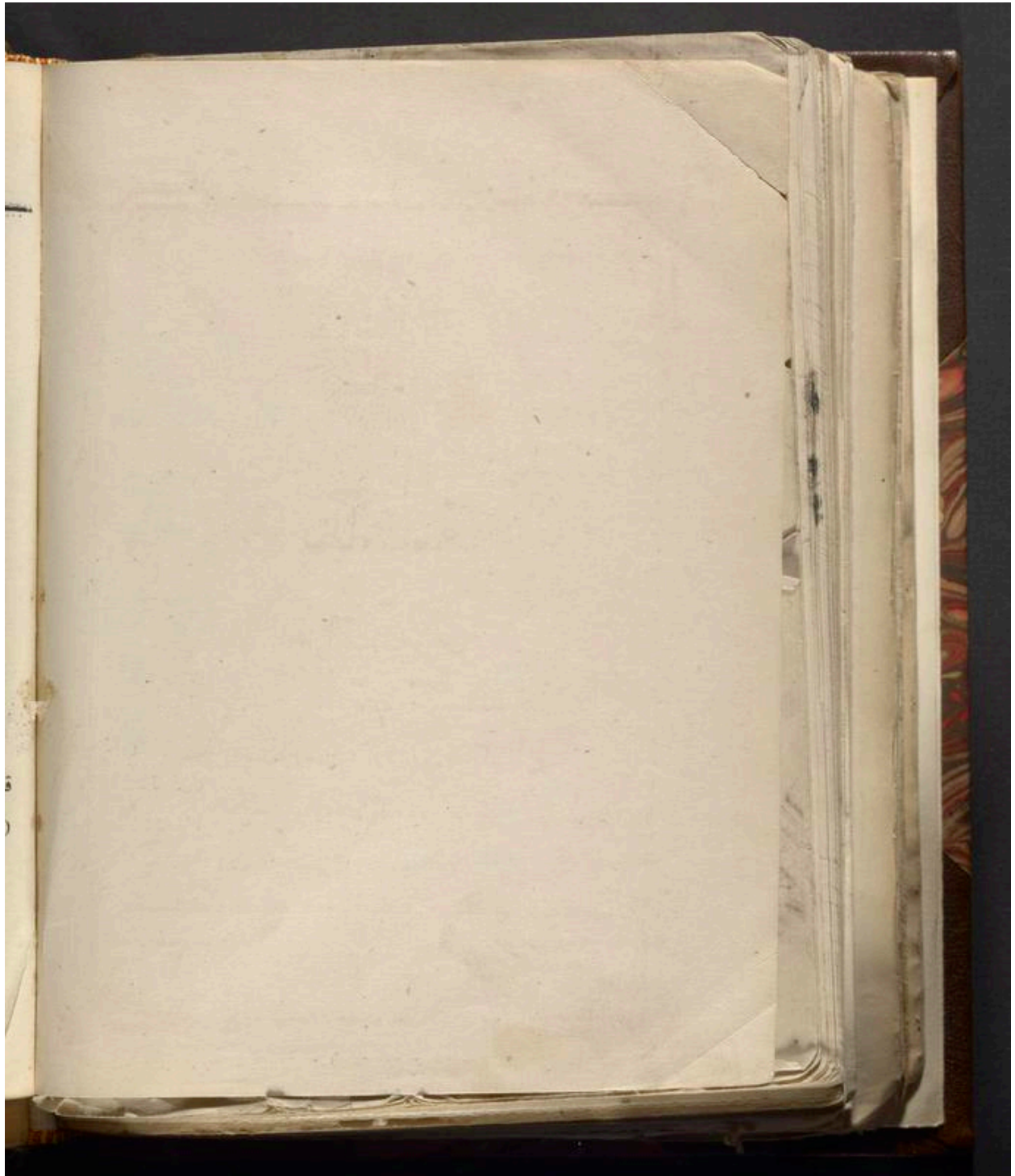
در مطبعہ ریاست شرکت رفیق طبع گردید

۳۰ جوزا - سنہ ۱۳۰۶

۱۰۰۰ جلد

نماد طبع -

فی جلد ۳۹ بویل





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظامنامه جزای عمومی

مقدمه

قاعده

(۱) — چنانچه اجرایی مجازات جرایمیکه براه راست بر علیه حکومت واقع میشوند بدولت عائد است همچنان از جمله جرایمیکه بر علیه يك شخص بوقوع برسند ، تحدید درجه تعزیرات آنها که تابع تعزیر شرعی و سیاسی باشند ؛ بدولت عاید میشود ، بنابراین درباره ایندو نوع مجازات در این نظامنامه جزا چنانچه مقادیرهای آن بقرار رای اولوالامر و وکیل آن بعد از وقوع واقعه و ملاحظه حال مجرم تعیین میشود ، موجبات آن بیان گردیده و درباره جرایمیکه بقصاص و دیت و حد تابع میباشد احکام

مذیفة شرعیہ را نیز حاوی است ؛ لهذا كافة مندرجات آن مطابق شرع انور (محمدی) است و مطابق مذهب مہذب حنفی و مہنی بروایات قویة مفق ہا است .

(۲) :- جر مہائیکہ شرعاً مستوجب مجازات ہستند سہ نوع است :-

اول :- آنکہ مستلزم جزای حد میباشند .

دوم :- مستلزم جزای قصاص و دیت .

سوم :- مستلزم جزای تعزیر .

(۳) :- جرایمیکہ مستلزم حد میباشند مثل زنا و نرب خمر و قذف و سرقہ و قطعاع

الطریق کہ حدود آن از طرف شارع تعیین شدہ .

(۴) :- جرایمیکہ موجب قصاص و دیت میشوند قتل و جرح است ،

(۵) :- جرایمیکہ موجب تعزیر میشود ، افعال قبیحہ و شنیعہ است کہ بہ مرتکب

آن جزا معین و مقدر نیست ، بلکہ مفوض برای اولوالامر و وکیل آن است

کہ بدرجات مختلفہ و مراتب متنوعہ برای اشخاص مجرمین بعد از ملاحظہ

حال مجرم در وقت وقوع جرم ، جزا تعیین کند مثل کلام عذیف و نظیر

بمس الوجه و فرك لادن و جزا الی باب القاضی یعنی سخن زشت و بدین

بترس و بی و مالیدن گوش و کیش کردن قادر و الزام قاضی و حبس

و جلاء الوطن الی درجہ قتل عبا . تمام امارت صنف جزای ضرب یعنی لت از (۳)

درہ الی (۳۹) درہ اختیار دارد و در حبس برای اشخاص مشہور بالفساد

کہ ممتنع گفته میشوند الی حبس دوام و برای دیگر مجرمین مستلزم مجازات

تعزیری ہر میعاد حبس کہ تمین میکنند اختیار دارند .

(۶) :- مدت حبس مجرمین الی زمان ظہور آثار صلاح و توبہ است محکو مین

(۳)

جزای آخس را که قبل از اكمال مدت حبس آوبه وصلاح شانرا بشرائط
ذیل ظاهر وثابت گشتند . مدت مذاقبة ایام حبس نشان معاف میشود .
الف : حبس محبوسینی که بموجب فیصله محاکم عدلیه محکوم بحبس گردیده
باشند .
اول : حبس محبوسینی که بموجب فیصله محاکم عدلیه محکوم بحبس گردیده
باشند .

ب : حبس محبوسینی که بموجب فیصله محاکم عدلیه محکوم بحبس گردیده
باشند .
دوم : مرتکبین قتل و سرقه به تصدیق تمامی اهل قریه یا محله او .

تصدیق اهل قریه و محله باید سرعی باشد و مشروط بر آن است که
مصدقین کلیه قوم و یا قریب محرمین نباشند و به تصدیق اهل قریه
و محله که در باب ظهور آثار توبه وصلاح مجرم مینمایند ؛
مجالس مجرمین از آنجاها میشوند و جاده (۸) توضیح گردیده
اطمینان حاصل کنند و اگر قریه خورد و فتری آن کم باشد مجالس
بذکوری صلاحیت حال مصدقین بدستی علم آورده منظور مینمایند .
ب : مجرمینی که بموجب فیصله محاکم عدلیه محکوم بحبس گردیده
باشند .
اول : مجرمینی که بموجب فیصله محاکم عدلیه محکوم بحبس گردیده
باشند .

(۴)

- آمر مافوق قریب و مامورین اداره منسوبه آنها
- دوم :- مجرمینکه زیاده بر سه سال محکوم مجلس شده باشند به تصدیق
آمر مافوق و وزیر یا مدیر مستقله منسوبه شان
- (۷) :- در تصدیق های آثار نوبه و صلاح تصدیق مجالس مشوره اداره های
حکومتی منسوبه شان علی الترتیب تا مواضی که حکم رهائی آن داده میشود
باید کرده شود .
- (۸) :- تصدیق آثار نوبه و صلاح مجبوسین بعد انقضای دوثلت مدت حبس محکومین
شان که بقرآن توضیح ماده (۶) و (۷) ترتیب می یابد . مواضع ذیل
تقدیم گردیده بعد اطمینان هیئت دوایر مذکور بظهور نوبه و صلاح
آنها ازین مواضع عفو مجازات مدت متباقیه حبس مجرمین را باندازه اختیارات
شان نموده میتوانند . ولی قبل از مرور مدت مذکور تصدیق مزبور
را تقدیم و منظور نمی توانند : -
- الف : - عفو مجازات متباقیه حبس مامورین : -
- اول : - مجرمین محکوم الی حبس یکساله از طرف مجالس مشاوره
نائب الحکومگیها و حکومتی های اعلی
- دوم : - مجرمین محکوم اضافه از یکسال الی حبس سه سال از طرف مجالس
مشاوره و زارتهای منسوبه شان .
- سوم : - مجرمین محکوم حبس اضافه از سه سال به منظوری حضور ملوکانه .
- ب : - عفو مجازات متباقیه حبس غیر مامورین : -
- اول : - محکومین الی حبس یکساله از طرف مجالس مشاوره که حکم
مجبوسی درباره آنها صادر نموده ،

دوم : - مجرمین محکوم حبس اضافه از یکال الی سه ساله از طرف
مجالس مشاوره نائب الحکومگیها و حکومتهای اعلی و
حکومتهای کلان منسوبه شان .

سوم : - مجرمین محکوم حبس اضافه از سه سال تا ده سال به
منظوری مجلس مشوره وزارت عدلیه ..

چهارم : - مجرمینی که اضافه از ده سال محکوم حبس باشند
منظوری حضور ملوکانه بعد تصدیق وزارت عدلیه .

(۹) : - تصدیق آثار نوبه و صلاح بقرار فوق تادو مرانیه درباره یک شخص منظور
میشود علاوه بران درباره مرتکبین سرقه و مشهور بالفساد محل اعتبار نیست

(۱۰) : - محکومین حبس اضافه از یکماه الی سه سال تنها بیک نیک زولانه
در محبوسخانه اكمال مدت حبس خود را مینمایند و در محبوسخانه بصنایع
مختلفه اشغال میشوند ، و معاش شان بشرط فقر از طرف دولت داده میشود
کسانیکه از یکماه کمتر محکوم شوند در توقیفخانه متوقف مینماید .

(۱۱) : - مجوسین اتهام قتل و مشهور بالفساد و مجوسینی که اضافه از سه سال بحبس
محکوم شده باشند بهر دو بای مجرم زولانه انداخته میشود و نظر باقتضای جرم
بندیها در خدمات شاقه دولت گماشته میشوند و از طرف دولت برای شان
خورا که داده میشود .

(۱۲) : - جزای ضرب یعنی ات در صحن سزایهای حکومتی در حالیکه یکی از مفتی
های محکمه شرعی که اعطائی حکم نموده و بکنفر منصبدار کونوالی و
عند الاقتضای نائب الحکومه و یا حاکم و یک مفرزه نظامی و کونوالی موجود
باشد در پیش روی یک جم غفیر اهالی اجرا میشود .

(۶)

(۱۳) - جزای ضرب با امر اسم ذیل اجزای آنست: مفتی محکمه شرعیه با مقره نظامی
 و کوتوالی که در قاعده بالا ذکر شده در محسن سرای حکومتی عین در جای
 وسطی آن احد موقع مینمایند و اهالی بدو روزا دور محسن ایستاده و یک میدان
 توپخانه بوجود آورده و اجتماع میکنند متعاقباً محکوم علیه بیدان آورده
 میشود و مفتی همان محکمه که در باره او اعطای حکم نموده حکم فیصله شده گوی
 و او را آواز بلند میخوانند بعد از ختم قرآن محکوم علیه از کلاهی بالا یوش
 برهنه شده در محسن ایستاده در حال ضرورت یک شخص
 دیگر از کوتوالی مقابل او ایستاده و سر او را در لقل میگیرد جلا د کوتوالی
 را در طرفه شعاع شریف را گرفته و جنبه اشاره که از طرفه مفتی داده میشود یک
 ضربه دیگر ضربه هینا را در پشت مجرم فرو می آرد و در آلتی ضرب دست
 او را از پشت از شانه باید بالا تر نشود و بعد از تمام ضرب بجلد
 درم باید بجلد مجرم ککش کرده نشود بعد از پوزه شدن عدد
 مطلوب به موجب اشاره مفتی محکمه عملیات ختام می پذیرد و متعاقباً
 اگر محکوم علیه علاوه بر آن جزای جنین هم محکوم گردیده باشد به
 بند پند پند میسرده میشود و اگر اضافه بر آن محکومیتی نداشته آزاد گذاشته
 میشود و اگر محکوم علیه زن باشد در حضور محکمه شرعیه بحال
 نشستن مجرمه جز بصورت ساترانه زدم میشود و در حال ضرورت سر
 او را باید شخص مجرم بگیرد و اگر مجرم نباشد زن دیگر را باید مکلف
 سر گرفتن او بدارند و ایقاعی نشهرات فوق در شان او ضرورت ندارد .
 (۱۴) - هیچ مأمور دولت تا حکم شرعیت غرای محمدی من نباشد هیچکس از عاایار
 اسبج و سبیل و پناه ضرب نمیتواند و هم حکمی را که از محکمه صادر گردد

بالذات بدست خود اجرا کرده نمیتواند جزای ضرب فقط بشکل و صورتیکه در بالا مذکور شده اجرا پذیر میگردد.

(۱۶۵) - طرز جزای قتل تفریزی از حضور پادشاهی صادر میگردد و در اتنای منظوری اعلامیکه حکم قتل را حاوی بوده از طرفه انرف پادشاهی

تصریح و اراده فرموده میشود. (۱۶۶) - زینکه جزای قتل محکوم گردیده باشد اگر حامله بود بعد از وضع

محلیس مجازات میشود. (۱۷) مردانیکه به جزای حس اضافه از سه سال محکوم شوند محاس تعیین جزا در

شهر آنها مختار است هر محرم را که لازم بشیر باشند بشیر میشود. (۱۸) - هرگاه یکی از تبعه دول اجیده باشند افغانستان مرتکب جرمی گردد که مستلزم جزا باشد بر طبق نظامنامه جزا مانند سایر تبعه افغانستان مجازات می شود.

(۱۹) - يك شخص پس ارانکه بصورت قطعی به یسکی از مجازات تفریری

حقوق الله محسوس شد و در اتنای حبس مرتکب دیگر جرم گردید که مستوجب جزای حبس شود پس هر قدر که از مدت حبس اول او

باقی باشد در جزای حبس نانی محسوب میشود و اگر مدت متباقیه

حبس اول اضافه از محکومیت حبس نانی باشد همان بق ادامه حبس محکومیت اول را پوره میکند و در تفریرات حقوق البیاد حبس عاجده

مقرر میشود و در حدود اگر جرایم از يك جنس بودند قبل از اجرا يك حد کافی است و بعد لاجرا مجازات حد نانی را نیز میباشد و در جرایم مختلفه حدود عاجده جاری میشوند.

(۲۰) :- هرگاه بر بالای يك شخص دیت شرعی و تضمینات شخصیه ورد اموال مسروقه و مصارف محکمه یکجا حکم شود و مال موجود او پوره نکند چون همه حقوق العباد است بقرار تقسیم مال موجوده او در حقوق مذکوره مطابق حصه شان تسهیم شود .

(۲۱) :- مصارف محکمه از همان شخص که سبعل شرعی یعنی فیصله میگیرد گرفته میشود .

(۲۲) :- اشیائیکه اعمال و استعمال و نقل و محافظه و بیع و شرای آن جرم را بوجود می آورد اگرچه بفاعل جرم تعلق نداشته باشد هم شخص مجرم را تعزیر داده می شود .

(۲۳) :- اشخاصیکه بکدام جرائم که امدت داخلی و خارجی دولت را اختلال نماید جرات ورزیده باشند بعد از اكمال نمودن مدت جزائیه که شرعاً برای شان معین میشود ، در حالیکه دولت از نزد آن مصلحت نبود و توهم فساد و خلل آنده از و کرده میشد در تحت نظارت کوتوالی میباشند .

(۲۴) :- بودن در زیر نگرانی کوتوالی عبارت است ازین چند چیز :-

اول :- اقامت کرده نتوانستن در محل هائیکه حکومت آن را تعیین نموده است .

دوم :- محلی را که دران اقامت میورزد و یا جاهائیکه تا بر سیدن محل اقامت خود از آنجاها میگذرد آنرا تعیین و بیان نمودن .

سوم :- در تذکره مروروی بقسمیکه گفته شد اشارت کردن .

چهارم :- بمجرد رسیدنش در آنجا در ظرف (۲۴) ساعت از ورود خود بحکومت خبر دادن .

پنجم :- در حالیکه از آنجا بیکطرف دیگر رفتن آرزو داشته باشد سه روز

بیشتر محکومت خبر داده مجدداً تذکره مرور خود را گرفتن . کسیکه
در زیر نظارت ضبطیه بوده و با وجود آن به این شرط رعایت نکند
تغزیر میشود .

(۲۵) :- مأمور بیکه بمحبوسیت مدت لااقل دو سال محکوم بگردد به این شرط که
اینده در هیچ یکی از خدمات دولت ازو کار گرفته نشود طرد کرده میشود
مأمور بیکه مرتکب جرم سرقت اموال دولت و اخذ رشوت بگردد اگر چه
کمزاین مدت بمحکومیت دچار شده باشد الی الابد از خدمت دولت طرد
میشود .

(۲۶) :- در اتنای وقوع جرم کسیکه سن پانزده سالگی را پوره نکرده باشند ،
از قوه بیزه محروم دانسته میشوند ، و از حریمیکه کرده باشند مسئول شناخته
میشوند ، هر گاه از سبب جرم ایشان دین لازم شود بمعاقله متعلق میشود
و خود ایشان بوالدین و ولی ها و وصی های شان تسلیم میشوند مگر هر گاه
اینچنین بجهها سن پانزده را پوره کرد ، در حقوق الله مثل صلوة و صوم
و حقوق البعاد مثل دین گرفتار و مأخوذ است ، و در حدود سن هجده
ضروری است ، اگر مجرمه زن بود انتهای سن شان پانزده و ابتدای
سن شان نه سال است لیکن مأخوذیت از پانزده است ، و اگر دیگر
علامات بلوغ مثل احبال و احتلام و انزال قبل از سن های مذکوره ظاهر
شود بالغ گفته میشود .

(۲۷) :- مجنون در جنایت مالی امانت غصب و سرقت و دین جرح در صورتیکه
مال مفصوبه و مسروقه و دین شرعی کمتر از اصاب پنجصد روپیه شرعی بود
از مال شخصی او استرداد میشود ، و اگر اضافه از آن باشد متعلق بمعاقله
میگیرد و صغیر و متوه نیز حکم مجنون را دارد .

(۲۸) : — هرگاه ثابت شود که يك شخص يك جرم را که اصلاً مرضای او نبود مجبوراً به تهديد قتل وتلف عضو مرتكب گردیده است از مجازات معاف دانسته میشود ، تنها درین باب مجبوری که معتبر است نظر بدرجات جرم اولاً عبارتست از وقوع يك چنان کیفیتی که آنشخص را تماماً وکاملاً از شعارتهمت بری الذمه نشان بدهد ، وثانیاً بیش آمد يك چنان ضرورتیکه او در مقابل آن مقاومت کرده نتوانستن خود را ثابت بسازد ، الا از قبیل امروالدین ، اولاد ویا از بدار بخدمتگار ، حالانیکه از تعظیم واحترام نشئت میکنند آنها را مجبوریت گفته نمیشود .

تفصیل مجبوریت مجبور وانواع مساوی شان و بیان شرائط کامله (در کتاب فتاوی امامیه) انشاء الله تعالی اندراج مینماید .

(۲۹) : — مدافع از مال وجان که متعرض فی المقابل ذی سلاح دیده شود در روز ، و شب ، و شهر ، و غیر شهر مساوی بوده از جزامعاف دانسته میشود ، واگر متابل غیر ذی سلاح ودارای آلات غیر مهلك مثل عصا باشد در خارج شهر شب وروز در معافی متساویست ، ودر شهر بهروز مطلقاً معاف نبود . تنها در شب معاف است ، بامعنی ذلك فاعل آن از جزامعاف دانسته میشود افعالیکه در انهای تمب و سرقتیکه اجزای جبر و شدت بوقوع پیوسته باشد ویا خود در سرقتها نیکه مورث چنان يك ضرر عظیمی میشوند که اراده واختیار يك شخص را خلیل دار میسازد بوقوع برسند ویا هرگونه افعالیکه برای دفع سارق وناهب اجرا شود ویا در حالیکه استرداد مال ممکن نباشد ، هرگاه برای مدافعه خود محافظه ونهضت و استرداد فوری مال افعالی بوقوع برسند آنها نیز جرم گفته میشوند .

(۳۰) : — اموال مسروقه در دست هرکس که باشد از وی گرفته میشود مگر جزا عاید است بفاعل سرقت .

(۳۱) : — اشخاص صیغه به جمعیت سرقه نمایند اگر مال مسروقه به نصاب هر یکی از سارق بقرار تقسیم میرسید قطع بد همه شریک و اگر به نصاب نمیرسید تمیزیر شوند .

(۳۲) : — کسانیکه به عطای هدیه و بانقود و یا به اجرای نهدید و یا به اعمال حبله و دسیسه و یا بصرف نقود و یا بصورت استعمال بیجای حکم مأموریت خود دیگری را بوقوع یافتن جرائم تحریک نمایند و یا بوقوع یک جرم واقف گردیده برای حصول آن مجویزات نمایند و یا اسلحه و آلات و یا اشیائی را که مدار وقوع یکجرم باشد دیده و دانسته ندارند کشتند یا در افعال که سبب آماده گئی و یا تسهیل و یا تکالیف جرم باشند بفاعل اصلی آن معاونت ورزند همه این قسم کسان فرعا ذی مدخل همان جرم شناخته میشوند .
کسانیکه برخلاف امنیت حکومت و امنیت عمومی و امنیت اشخاص و اموال دست درازی و یا استعمال جبر و شدت مینمایند و یا با افعال و حرکات ارباب جرایم واقف بوده بآنها بالا اختیار خوراک و خوابگاه و جای پناه و جای اجتماع میدهند نیز فرعا ذی مدخل شمرده میشوند ، کسانیکه اشیائی را که بصورت غصب و یا سرقت و یا خود از وقوع یافتن یک جرم استحصال کرده باشند ، تماماً و یا یک قسمتی از آنها دیده و دانسته حفظ و اخفا نمایند نیز در همان افعال ذی مدخل شناخته میشوند و نظر به این حالات مختلفه درباره کسانیکه فرعا ذی مدخل یک جرم باشند که عبارت از ساعی و معاون و محرک است تمیزاً مجزی فعل خود ها گرفتار میشوند ، و اما تحدید درجه تمیزیر ذی مدخل کمتر از جزای قاعل مستقل میباشد .

(۳۳) : — قوماندان کوتوالی و علاقه داران و حکام محلی که به جهت بدست آوردن مجرم تحقیقات ابتدایی می نمایند البته محتاج بر آنند تا دلائل را که عند الشرع اثبات جرم آن نزد قاضی شود دستیاب کنند و آن فیلا مرقوم و در هر کدام ، تعیین وظایف مامورین مذکورین واضح می گردد :—

(۳۴) : — هر مظلونی که به اثبات جرم او شاهدان عدول خواه باصل جرم و یا باقرار مجرم بآن یا اقرار خود مجرم موجود باشد و به قوماندان و علاقه داران و حکام مذکورین دانسته شود فوراً این چنین مظلون را توقیف کرده قاعدتاً مظلون مذکور و مدعی را بشهود مقرر محکمه شرعیه بدارند که قاضی شرعاً فیصله بنماید اما مامورین حکومتی تا در چه امکان جد و جهد نمایند که شاهدان مذکور ظاهراً شرع پسند باشند که شرعاً رد نشوند تا باعث زحمت نگردد چه قاضی بغير اقرار خود مجرم و یا شاهدان عادل باصل جرم و یا باقرار مجرم بآن و یا تکول مجرم از حلف در حقوق العباد و حدود و قصاص به مجرد نوشته و مکتوب بدون تخبرین شرعاً اعطای حکم کرده نمیتوانند .

(۳۵) : — مظلونیکه باثبات جرم و اقرار خود مظلون یا شاهدان عادل قرار ماده ۳ بدست نیاید درینصورت مامورین به تفاوت درجات بقرار ذیل اجرا دارند .

در تعزیر متهم :—

(۳۶) : — هرگاه يك شخص بصلاحيت مشهور باشد و بيك جرمی مظلون شود و بکنفر عادل یاد و نفر مستور الحال در حق او مجرم حاضره مامورین اخبار بدهند شخص مذکور توقیف نمیشود و در باره او بحضور قاضی

سوگند است و پس مگر تنها در جرائم عظیمه مشهوره که احتمال فرار باشد و بکنفر عادل یا دوقفر مستور الحال در حق او مجرم حاضره مامورین اخبار بدهند تا زمان حضور قاضی توقیف میگردد و باقرار خود مجرم و یا بوجود دوقفر شاهدان عادل بر اصل جرم و یا باقرار مجرم در جرم و بحکم قاضی محکوم می شود و در حال شهادت دوقفر شاهدان عادل در بدی او بحضور قاضی توقیف میشود تا زمان کشف حال .

(۲۷) : — هرگاه يك شخص مستور الحال که نه مشهور بصلاح است و نه معروف به فساد يك جرمی مظنون شود و بکنفر عادل یا دوقفر مستور الحال نزد قاضی اخبار بفساد او نماید . مجرم اتهام مجوس میشود . تا زمان کشف حال و اگر قاضی حاضر نباشد تا زمان حضور قاضی دیگر مامورین حکومتی او را توقیف کرده میتوانند .

(۲۸) : — اگر شخصی مستور الحال که نه مشهور بصلاح است و نه معروف بفساد يك جرمی مظنون شود و بکنفر عادل یا دوقفر مستور الحال در حق او اخبار با اتهام نکرده باشند . درینصورت قراین و اماراتی که موجب ظن غالب قاضی بقرار شرع شریف موجود باشد و شخص مذکور بهمان جرم محکوم نگردیده اما محکوم مجرم اتهام شده بقرار قراین و امارات مذکوره تا زمان کشف حال توقیف میشود .

(۲۹) : — اگر يك شخص مفسد يك جرمی مظنون شود که علم قاضی به اخبار عدول و یا کثرت واقعات جرم او برسد اما جرم حاضره او ثابت نشده باشد درینصورت علم قاضی معتبر بوده حاجت بشهود و بیوت و دعوی بوده مفسد مظنون مجوس میشود . تا زمان ظهور آثار صلاح و توبه که موافق مواد نظامنامه هذا اجرا میشود .

(۴۰) : - اگر يك شخص مشهور بفساد مجرمی مظنون شود که علم قاضی به اخبار عدول ویا کثرت واقعات جرم او برسد اما جرم حاضره او ثابت نشده باشد درینصورت علم قاضی معتبر بوده حاجت بشهود و ثبوت ودعوی نبوده شخص مظنون مشهور به فساد را تعزیری الی قتل جایز است .

(۴۱) : - در کشف حال يك مظنون مستورالحال که در ماده (۳۸) مذکور است بهر طریق از طرق ممکنه استنطاق مظنون لازم است تا شهود بر اقرار آن پیدا شود ، و یا اقرار و نکول او ظاهر گردد ، و از همسایه و جوار و تعلقات او تحقیق حال و اعمال و افعال او کرده شود که اگر بدی او ظاهر شد ، قاضی بقرار اخبار شهود یا سبب جرم اتهام حکم بر حبس او کند و اگر بدی او ظاهر نشود و نه اقرار کند و نه نکول رها داده شود . هرگاه در اقرار مظنون تناقض پیدا شود ، ظن صریح گفته میشود و تعزیر کذب داده میشود . صورت تناقض خواه تجریری یا شفاهی بحضور مأموریکه دونفر شاهد بتجریر و اقرار شفاهی او که تناقض پیدا شده بحضور قاضی حاضر بیاورد صحیح دانسته میشود .

(۴۲) : - در باره شخص مظنون به سرقه که مشهور بفساد باشد درحال استنطاق که بعضی دلائل ملزمت او از روی استنطاق ظاهر شود برای تکمیل اسباب ثبوت جرم هرگاه مفید دیده شود ضربیکه استخوان را نشکندند یا گوشت بدن را نکفاند جایز است .

(۴۳) : - هرگاه در شب حاجت به تجسس و علم آوری درخانه يك مظنون شود قوماندان کوتوالی یا علاقه داران و حکام محلی که ایفای وظایف کوتوالی را هم سنبایند باید که باخود دونفر اشخاص متدین و یا یکفر مفتی را

بریند که بحضور همان دو نفر متدین و یا یک نفر مفتی تلاشی خانه مظنون مذکور کرده شود و نظامنامه مفصل آن نیز تالی وضع و نشر میشود .
 (۴۴) : — قراین و امارات بشرائطی که در ماده (۳۸) مذکور است خاص در تعزیراتی که حقوق الله باشد مدار حکم شرعی میشود . اما تعزیراتی که در آن حق عبد است مدار حکم شرعی نمیگردد .

تعزیر در حقوق الله برای قاتل : —

(۴۵) : — در عفو یا ابراء یا صلح و رتبه آلا و یا بهضاً در دعاوی قتل بعد از ثبوت قصاص که (حق العباد است) ساقط میشود اما در صورت صلح بهض یا عفو بهض یا ابراء بهض حصه ورثه نال بدل میگردد و در حق الله بقرار ذیل قاتل تعزیر داده میشود .

الف : — هرگاه فعل قتل بصورت خفی باشد و بصورت شدت و زور و مکاربه نشده باشد و شخص مجرم مشهور بفساد نباشد و در ملک امنیت موجود باشد ، پس حکومت مجرم را بقرار مراتب اربعه تعزیر بدون قتل و حبس دوام میتواند .

ب : — هرگاه فعل قتل بطریق مکاربه یا باظلم باشد و شخص مجرم مشهور با الفساد باشد و در ملک امنیت باشد حکومت حسب فوق مجرم را تعزیر الی قتل کرده میتواند .

ج : — هرگاه قاتل مکابر با العالم نباشد اما مشهور با الفساد باشد تعزیر الی قتل میشود .

د : — هرگاه قتل بصورت خفی باشد و بصورت شدت و زور و مکاربه نشده باشد و مجرم قصد اغواء کرده باشد و شخص مجرم مشهور

یا بالقصد نباشد و در ملک امنیت موجود باشد حکومت بنا بر

مصالحه وقت تعزیر الی قتل کرده میتواند

(۱۶) : — تعزیر حقوق الله برای دزد و قطاع الطريق : —

الف : هرگاه بر شخصی یا اشخاص فعل دزدی و یا سرقت ثابت شود

و حد شرعی لازم گردد بقرار امر شرع شریف اجرای حد میشود .

و اگر حد شرعی لازم نشود مگر فعل دزدی و سرقت ثابت شود

در صورتی که تکرار فعل باشد از طرف حکومت تعزیر الی قتل

داده میشود .

ب : — اگر شخصی یا اشخاص قطاع الطريق باشد که در شهر یا بیرون

شهر داره کنند ، اگر حد شرعی در باره آنها ثابت شود

اجرای حد در حق آنها میشود در صورتی که حد شرعی

ثابت نشود . مگر قطاع الطريق آنها ثابت شود از طرف حکومت

تعزیر الی قتل کرده میشود .

اگر قطاع الطريقی گرفته شود که اسد مال یا قتل نکرده باشد تعزیر

بدون قتل به حبس است الی ظهور آثار توبه و پشیمانی و اگر مال گرفته

باشد و قتل هم کرده باشد . سر کرده او یا یکی از رفقای او اگر حد شرعی

در بالای او شان لازم شد اجرا میشود و اگر حد شرعی لازم نشد از طرف

حکومت تعزیر الی قتل کرده میشود

(۱۷) : — شاهدانیکه بیک فعل واجب التعزیر در حقوق الله نزد قاضی ادای شهادت

نمایند اگر چه جرم مذکور در آن مکنه مختلفه دیده شده باشد شهادت

شان صحیح است . مثلاً بیک پولیس که عادل باشد در بیک محل بیک شخص را در

شب معاینه کرد که دو جراح موثر و با یکی آن روشن بود و دیگری عمل بویاس
نادل دیگر گادی و با موثر همان شخص را بی جرح روشن دید، با ناله هر دو نفر
اشهاد و احبار کشته مجرم مذکور محرم التزیری گرفتار میشود.

(۱۸) : — در فقره قتل که دیت به طریق قسامت و یا قتل خطا در نفس و یا بقی
اعضای آن حکم میشود حصول فیصله خط آن مانند بقی فیصله خطهای
دعای قصاص و حدود میباشد که زیاد از شش رویه گرفته نشود.

(۱۹) : — هرگاه شخصی محکوم با اصاص گردیده بری استیقای اصاص برتره مقتول
تسلیم شود ورنه مقتول میتواند که خودش محکوم را با اساجه مثل شمشیر
و یا کارد تیز و تفنگ اصاص کند و یا یک نفر و یا چند نفر را از طرف خود
وکیل بگیرد که آنها با اساجه مثل شمشیر و یا کارد تیز و تفنگ و کلتا اصاص
نمایند بشرطیکه خود ورنه در وقت استیقای اصاص حاضر باشد.

(۲۰) : — يك شخص که بروی چندین جرم واجب التزیر حقوق الله یکبارہ گمی
ثابت شود بموجب همان جرمی که مستلزم جزای سنگین تر باشد حکم
در باره وی صادر می گردد.



باب اول

فصل اول

(۵۱) : — با دشمنان افغانستان متفق گردیده بر علیه افغانستان بی بی بر خلاف افغانستان سلاح گرفتن (تعزیر) .

(۵۲) : — بکدولت اجنبی را بر علیه افغانستان بحرب بر انگیزاندن (تعزیر) .

(۵۳) : — در داخل شدن دشمن به افغانستان سهولت بهم رسانیدن و بفرسایدن دشمن به آسانی در افغانستان راه و استیلا یابد راه ها و قریاها و قلعه ها و ماشینخانه های افغانستان را مخرب نمودن و عسکر دشمن را بسلاح و پول معاونت کردن و عسکر افغانستان را در مقابل دشمن بعدم مقاومت تشویق نمودن و یا برای از قوه بغل آوردن یکی از این جنایات با دشمن مخایر کردن (تعزیر) .

(۵۴) : — دشمن از ترس بیانات عسکر به تملک و نقضه های مدافعه و تعرض و مقدار قوه عسکر به والحاصل یکی از امتیاز عسکر به واسرار مهمه سیاسی را خبر دادن (تعزیر)

(۵۵) : — عسکر افغانستان را بفرار کردن بسوی دشمن تشویق و اغوا نمودن (تعزیر)

(۵۶) : — جدا ساختن و علیحدہ گردا زدن یک قسم اراضی افغانستان را از افغانستان و یا خود در آنجا برای تاسیس دادن یک اداره مستقله جدا گانه از اداره دولت کوشیدن (تعزیر) .

(۵۷) : — بغرض کوشش در ایجاد يك حرب بر علیه افغانستان بخاك يك دولت
اجنبی پناه بردن (تعزیر) .

(۵۸) : — پیش از اعلان حرب یکی از تبعه افغانستان در خدمت عسکری دشمن
بوده پس از اعلان حرب نیز در همان خدمت دشمن بآیدن (تعزیر)

(۵۹) : — تبعه افغایه را بر علیه حکومت به بی وعصیان تشویق دادن و متعاقباً
فعل عصیان بوقوع آمدن (تعزیر) .

(۶۰) : — بی وقوع فعل بغاوت فقط در تولید ماده بغاوت کوشیدن (تعزیر) .

(۶۱) : — بیرقها و نشانهای افغانستان و یادول اجنبیه دوست اورا بغرض حقارت
و استخفاف پاره کردن (تعزیر) .

(۶۲) : — تشویق نمودن اهالی افغانستانرا بمقاتله یکدیگر و بدینغرض آنها را
بضد همدیگر مسلح گردانیدن (تعزیر) .

(۶۳) جرائمیکه در قاعده های (۵۹) و (۶۰) (و ۶۲) بیان گردیدند ،
هرگاه از طرف بعض جمیت ها بعمل آید رؤسای شان و نفری شان
نسبتاً (تعزیر) .

علاوه بران جرائمیکه درین قاعده ها بیان گردیده هرگاه به آنخصوص
در میان بعض اشخاص مذاکره و مفاهمه بمیان آید و به بعضی اسباب
نوسل ورزیده شود کسیکه در مذاکره و مفاهمه شامل میباشند ،
رؤسا و باقی شان نسبتاً (تعزیر) .

و اگر تنها مذاکره بوقوع آید و اسباب نوسل ورزیده نشود رؤسا
و باقی اعضا نسبتاً (تعزیر)

اگر از میانه شان بکثرت تکلیف نماید و دیگران تکلیفش را رد نموده

قبول نکنند شخص تکلیف کننده (تعزیر) .

کسایک تدارک و اعمال و احضار و اعطای سلاح و الاتیکه
یک جهت فسادیه برای اجرای مقصد خود بآن محتاج است بردارند .
هرگاه ماده فساد بموقع فعل آید (تعزیر)

والا اگر بموقع فعل نیامده بدرجه تشبث باقی بماند نسبتاً (تعزیر)
چون در افتاتمتان تجارت اسلحه جاری است کسانیکه به پیشه اسلحه
فروشی و تجارت سلاح مشغول باشند ، هرگاه برفساد مذکور وقوف
نداشته بر آنها اسلحه بفروشند از جزا معاف هستند .

(۶۴) : - کسانیکه عسکر دولت را به بلوا و بغاوت تحریک و تشویق نمایند (تعزیر)

(۶۵) : - قصد آتشبناخانه ها و انبار خاه های دولت را احراق نمودن (تعزیر)

(۶۶) : - کسانیکه تاراج کردن اقود و اشپای رعیت و دولت تشبث و زندقه ، رؤسا
و بقیه قری نسبتاً (تعزیر)

(۶۷) : - دزدانیکه در کوهها و صحرا ها مسلح گشت و گذار نموده مردمانرا حلت
میکند ، اگر بمطابق (فتاوی امانیه) - لازم نشود بعد از تاوان
(تعزیر) .

(۶۸) : - کسانیکه بمقصد قطع طریق در کوه ها و صحرا ها مسلح گشت و گذار
نموده قبل از دزدی و تاراج گرفتار شوند (تعزیر)

(۶۹) : - از ارباب شقاوت مستمره کسانیکه قبلاً هم مرتکب جرمی گردیده
باشند ، و با رهنماییکه در دست افتاده گان خود را شکنجه و اذیت مینمایند
و با در انان قطع طریق مردمانرا میکشند (تعزیر) .

(۷۰) : - اگر رهنمان کسی را قتل نکرده و مال نگرفته مجروح کرد اگر

بمطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نشود بعد از تاوان (تعزیر)

(۷۱) : - در کوچها و بیدانها بغرض تشویق مردم برای عصیان اوراق مضرّه مطبوعه و یا غیر مطبوعه را نشر کردن و یا برای این مقصد نطقها گفتن هرگاه عصیان ظهور آید (تعزیر) و هرگاه بظهور نیاید استیفاء (تعزیر)
و اگر بالتکرار در محل دیگر هم از ایشان اینگونه اوضاع برزیزد اگر چه فعل عصیان بظهور نیاید (تعزیر)

(۷۲) : - کسانی که اخبارها و بیان نامه هائیکه بغرض تشویق مردم برای عصیان نوشته شده باشد در نزد خود داشته هنوز تزیین نموده باشند (تعزیر)

(۷۳) : - کسانی که در اجرائنگیرین یکی از اوامر و قوانین موضوعه دوات و یا برای تحصیل نشدن اموال دوات صرف نفوذ بخابند و از مأمورین دوات باشند هم (تعزیر) .

(۷۴) : - اگر شخصی در خانه يك كس بی آنکه خانه خریدش باشد جرأ و یا خود تهدیدآ و تخویفا یا آنکه خفیتاً داخل شود (تعزیر) تحقیق و تفتیشی که دوائر پولیس بعضی خانه های مشقه را بخابند از این قاعده مستثنی است .

(۷۵) : - کسیکه ورثه مقتول را بر عفو کردن از قصاص نایب مجبور کند . قاتل و شخص جابر (تعزیر) .

(۷۶) : - هرگاه یکی از رعایا اسبابی را که فرار مجوسین را تسهیل نماید تهیه و تدارک کند (تعزیر) .

(۷۷) : - کسانی که برای تسهیل فرار مجوسین برای شان سلاح و سائط تدارک نمایند (تعزیر) .

(۷۸) : - مجوسیدیکه از حبس خانه ها فرار مینمایند و باز دستگیر شوند علاوه

بر اصل جزای قتل سابق آنها نسبتاً دیگر تعزیر نیز داده میشود .

(۷۹) : - کسانیکه توقیف و بزیر استنطاق اند و هنوز حکم شرعی بر اوشان صادر

نگردیده از باعث غفلت بهره دار فرار کنند نسبت باتهم مفرور محاکمه

غافل (تعزیر) .

(۸۰) : - کسانیکه يك بندى فراری و یا اشخاص متهم جرم را شناخته حمایت

مینمایند (تعزیر) .

و خویشاوندان مفرور از اصول و فروع از قبیل پدر و مادر و ازواج و اولاد

مذکور اگر حمایت کنند از خفیه داشتن او او جزا معاف هستند .

(۸۱) : - مهریکه از طرف مامورین دولت برای حفظ بعضی اشیا و یا اوراق

و یا کدام محل وضع شده باشد کسی که آنرا بشکند (تعزیر)

علاوه بر شکسته شدن مهر مهرگاه بعضی اشیا و اوراق هم دزدی شده

باشد اگر مطابق (فتاوی امانیه) بر سارق حد لازم نشود (تعزیر)

(۸۲) : - کسانیکه اوراق رسمیه دولت را سرقت و یا محو و اتلاف نمایند (تعزیر)

(۸۳) : - اگر شکسته شدن مهر و سرقت اوراق رسمیه و محو و اتلاف آن

طرف بعضی اشخاص بصورت هجوم بر محافظ آن بعمل آید هر يك

هجوم کننده گان [تعزیر] .

(۸۴) : - کسیکه بی صلاحیت و ما ذونیت خود را چنان نشان بدهد که گویاید

منصب ملکی و یا نظامی منسوب بوده علاوه تا به ایفای وظایفیکه آن

منصب عاید است جرأت ورزند (تعزیر) .

(۸۵) : - کسیکه بدون ماذونیت دولت سر بخورد فیصله حقوق اشخاص را

- بصورت اصلاح نباشد بنماید (تعزیر) .
- (۸۶) : - کسیکه احوال غیره بقوله را که از نزد وی حکماً گرفته شد . باید تعاضش تسلیم گردیده باشد بآنکه تکرار ضبط نماید مال مضبوطه بجز پیش نه نزد گردیده علاوتاً (تعزیر) .
- (۸۷) : - کسیکه آلات تاغرف و تیلفون را قصد آخرب حایبه علاوه گرفتن قیمت ضرر (تعزیر) .
- (۸۸) : - کسیکه سیم تیلفون و تاغرف را بریده و پاره می آرد یا اخته می نماید تعطیل و توقیف محابرات گردد (تعزیر) .
- (۸۹) : - اگر این معامله بریدن و محزیر سیم های تیلفون و تاغرف در انجمنی یک محاربه و یا اختلال بوقوع آید نسبتاً (تعزیر) .
- (۹۰) : - کسیکه مسکوکات قلاب بسازد و قلاب جلابی بکشد (تعزیر) .
- (۹۱) : - کسیکه پسته قلاب را نا دانسته داد و ستد نماید هیچ مستحق جزا نمیشوند . فقط بعد از آنکه قلاب شناسی را آموخته باز هم مجتهدین آن کوشش ورزند (تعزیر) .
- (۹۲) : - کسیکه اشیاء نقابیدی مثل کره گات کرده طلا و نقره و امثال آنرا قیمت اصل جنس فروخته ببقسم ساخته کاری نمایند بعد از تاوان شرعی (تعزیر) .
- (۹۳) : - کسیکه فرمانهای پادشاهی و مهرهای حکومت و مهرها و امضاءهای مأمورین دولت و اوراق و سندایکه تعاقب دفترها باشد تقلید و تحریف نموده استعمال کنند هر گاه نقصان بیت المال و یا از اهالی را نموده باشند بعد از تادیبه مقدار نقصان (تعزیر) .
- هر گاه از فرمان ساخته گوی پادشاهی بدولت یک ضرر کلی برسد

علاوه
ان صادر
محافظ
حمایت
و اولاد
اوراق
شده
تیز
تیز
آن از
یک از
یا اینک
که بان

نسبتاً (تغزیر) .

کسانی که اینگونه اوراق ساخته گوی و حرفه را بدست آورده

استعمال نمایند (تغزیر) .

(۹۴) : — کسانی که خواه برای خلاص کردن خود و یا دیگران از خدمت دولت

بنام طبیب ها شهادتنامه ساخته گوی بسازند (تغزیر) .

(۹۵) : — همچنان طبیب ها و جراح ها نیز که خواه بنسایر

خاطر و الهس برای رها شدن يك آدم از خدمت دولت شهادتنامه کادر

بدهند (تغزیر) .

(۹۶) : — اشخاصی که سندات تقلیدی یا تحریفی در باره مدعی علیه خود بمعاکم

دولت ابراز نمایند بعد از تاوان که بمدعی علیه ضرر عاید گردید. باشد

نسبتاً (تغزیر) .

(۹۷) : — کسانی که بنادانی و ناشناسی چیزهای ساخته گوی و تقلیدی را استعمال

میکنند (از جزا معاف هستند) .

(۹۸) : — هرگاه شخصی بخانه کسی قصد آتش بزند بعد از تاوان مال محروق (تغزیر)

و اگر التهاب آتش بدیگر خانه های متصل آن سرایت کند علاوه بر

تاوان مال محروقه (تغزیر) .

و هرگاه آتش زده گوی مذکور سبب قتل نفس شود علاوه بر دیت

شرعی (تغزیر) .

(۹۹) : — کسانی که خواه در داخل شهر و خواه خارج شهر در وقوع یافتن

حریق تشبث و کوشش نمایند و لاکن بفعل آورده نتوانند (تغزیر)

(۱۰۰) : — کسانی که چوب های بریده و محصولات درویده را مانند خرمن و غیره

آتش بدهند علاوه بر تاوانی که بمساحب مال میدهد (تغزیر) .

(۱۰۱) : — هر گاه حرقی که قصد آن از طرف آتش زنده گان بوقوع آید و موجب و قات انسانها گردد علاوه بر تازیانه دیت ها (تیزیر) .

(۱۰۲) : — کسیکه يك آدم را با آتش زدن امر اجبار نماید بخوف قتل اگر چه آتش زده گمی بوقوع نیاید شخص جابر (تیزیر) .

(۱۰۳) : — در افغانستان ساحتن شراب و استعمال و ادخال آن و مسکرات دیگر بکلیه ممنوع است ، مگر چرس و بنک که از محصولات افغانستان است ، تنها خرید و فروش آن برای استعمال در داخل ممنوع است ، اخراج آن بمالک خارجه ممنوع نیست .

(۱۰۴) : — کسیکه علناً شراب نوشی نمایند (۸۰) دره ضرب میشوند .

(۱۰۵) : — کسیکه خفیتاً شراب نوشی نموده از آثار بیانیه یعنی از بعضی قرائن و استدلالات خفیتاً شراب نوشی شان بقرار شرعی ثابت گردد (۸۰) دره ضرب میشود .

(۱۰۶) : — کسیکه شراب بدیگران میفروشند (تیزیر) .

(۱۰۷) : — کسیکه شراب سازی مینمایند بعد از اتلاف شراب او (تیزیر) .

(۱۰۸) : — کسیکه از خارج شراب را بفرانستان ادخال مینمایند شرابش اتلاف و خودشان (تیزیر) .

همه قواعد این فصل خاص به اهل اسلام و تبعه افغانیه باید است فقط درباره تبعه اجنبی کسیکه برای تجارت بافرانستان شراب را داخل کرده و با فغانها بفروشد بموجب قاعده های فوق جزا می بیند .

(۱۰۹) : — کسیکه چرس و بنک میکشند و یا ترک میخورند ، هر گاه سن شان از پانزده اضافه باشد (تیزیر) .

- (۱۱۰) :- کسانیکه علماء و یا خفیتاً بازنگر بازی کنند (تعزیر) .
- (۱۱۱) :- کسانیکه علماء و یا خفیتاً بازنگری کنند ، (تعزیر) .
- (۱۱۲) :- هرگاه پدر و اقربای يك بچه در پیشروی خود همان بچه را بر قهیدین مساعده نمایند (تعزیر) .
- (۱۱۳) :- برای هر نفر از دسته بازنگر (تعزیر) .
- (۱۱۴) :- رقاسی زن بحضور مردان هر واحد از مردان و زنان (تعزیر) .
- (۱۱۵) :- در مایل قتل و حرح برای تفصیلات احکام قصاص و دیت قاضی باید که بکتاب فتاوی امامیه ، مراجعت بکند .
- (۱۱۶) :- قتل عمد قتلست که باستعمال آله قاتله قصداً حادث شود چون سلاح و مانند آن مثل چوب تیز و سنگ تیز و آتش . و قتل شبه عمد قتلست که بغير سلاح و آلات کشتنی مذکورہ قصداً اتلاف حادث شود .
- (۱۱۷) :- هرگاه شخصی شخص دیگر را بصورت عمد قتل نماید (قصاص) .
- (۱۱۸) :- هرگاه فاعل قتل عمد نامعلوم باشد و قتل موجود بود اگر در آبادی باشد و یا در مسجد محله (دیت بر اهل محله و آبادی) .
- و اگر در مسجد جامع و یا راه طایفه بود دیت بر بیت المال است) .
- و اگر در بیابان بود (هدر است) .
- (۱۱۹) هرگاه قاتل بر فعل قتل عمد اقرار باشد ، و ورثه مقتول او را عفو نمایند ، قاتل (تعزیر) .
- (۱۲۰) :- هرگاه تنها یک نفر از ورثه مقتول قاتل را که بر فعل قتل عمد اقرار کرده عفو نماید بعد از دیت (تعزیر) .
- (۱۲۱) :- و اگر قاتل قوم دار و بیه دار بوده بدان لحاظ از طرف ورثه مقتول

عفو شود . همه حال (تعزیر) .

و اگر اولیای مقتول باقاتل و مقتول قرابت پدر و مادر و برادر و خواهر داشته باشد . قاتل را عفو کند ازین قاعده مستثنی است .

(۱۲۲) :- هر گاه یکی از ارباب جنایت و شقاوت مستمره برای بمثل آوردن یک جرم عظیم مردمان دیگر را غدارانه شکنجه و یا اذیت نماید

(تعزیر)

(۱۲۳) :- هر گاه شخصی بصورت شبه عمد کسی را بقتل رسانید (دیت شرعی بر عاقله) اولاً قریبه ثم فتم بر سه سال قسط .

(۱۲۴) :- هر گاه شبه عمد مکرر شد (تعزیر)

(۱۲۵) :- اگر عاقله قریبه و بعیده نداشت مثل لقیط و حربی مستامن (دیت بر بیت المال و تعزیر بر قاتل)

(۱۲۶) :- اگر ورثه مقتول دیت را عفو کند ، قاتل (تعزیر)

(۱۲۷) :- و اگر عفو در حق یک قومدار و دولت مند باشد (تعزیر)

(۱۲۸) :- کسیکه جسد یک مقتول را اخفا نماید و یا بی آنکه بمحکومت خبر بدهد دفن کند (تعزیر)

(۱۲۹) :- هر گاه شخصی شخص دیگر را لت و کوب و یا جرح نمود و موجب قطع و شکستن و سقوط عمل ینی از کار بر آمدن یکی از اعضایش

گردد علاوه بر دیت شرعی برجائی در صورت عمد (تعزیر)

و از غیر عمد که خطاست (دیت بر عاقله)

(۱۳۰) :- شخصی که شخص دیگر را لت و کوب و یا مجروح نموده موجب از کار

یس ماندن او گردد ، اگر به مطابق احکام (فتاوی امانیه) قصاص

و یا دیت لازم باشد بعد از ادای ارش و تاوان جرح (تعزیر)

(۱۳۱) :- کسیکه از آبا و اجداد وامهات خود یکی را ضرب و یا جرح نماید (تعزیر)
و اگر سبب سقوط یکی از اعضا شد علاوه بر دیت شرعی و قصاص
(تعزیر)

(۱۳۲) :- کسیکه به مقصد قتل استعمال سلاح نمود (تعزیر)

(۱۳۳) :- کسیکه خطاه سبب تلف يك آدم گردد بعد از دیت شرعی (تعزیر)

(۱۳۴) :- هرگاه شخصی خطاه شخص دیگر را مجروح بسازد بعد از دیت شرعی
که ادا نماید اگر کیفیت جرح از عدم رعایت بنظامات آمده باشد
(تعزیر)

(۱۳۵) :- هرگاه يك شخص به امر يك آمر جابر شخصی را جبراً و کرها قتل
کند و یا ضرب و جرح نماید و مجبوری او بقرار ماده (۲۸) ثابت
گردد (جزای قاتل مضارب و جاح در حق آمرش اجرا میشود)
(۱۳۶) :- کسیکه در خانه خود مرد بیگانه را با حرم خود مخلوط به بند و او را
بقتل رساند (از جزا معاف دانسته میشود)

(۱۳۷) :- کسیکه آبا و اجداد وامهات خود را بقتل برسانند اگر بقرار
(فتاوی امانیه) قصاص لازم نشود (تعزیر)
(۱۳۸) :- کسیکه شخص مستامن را بکشد (تعزیر)

(۱۳۹) :- اگر بعضی از ورثه ، معاون قتل مورث خود بوده عفو نماید بدون
حصه ورثه عفو کننده دیت از مال قاتل اخذ بورثه باقی مقتول داده
شود چون عفو او مسقط قصاص میگردد قاتل (تعزیر)

(۱۴۰) :- اگر بر اقرار قاتل عهد مامورین دولت که رسماً بتحقیقات ابتدائی
موظف هستند در حکمه شرعیه گواهی داده و شرها آفات نمود پس از حکم

قاضی ورثه مقتول عفو نماید مجازات قاعده (۱۱۹) محکوم
میشود .

(۱۴۱) سابی و قادیانی و زندیق (قتل کرده شود) و سارق که تکراراً سرقه کند
(تعزیراً قتل شود) . و خانی تکراراً خنق که کسی را کشته اند
(قتل میشود) .

(۱۴۲) : — شخصیکه نامه نهیده قتل بفرستد بدین مضمون که در صورت عدم
ایفای مطالبات خود او را محو و اعدام خواهد نمود (تعزیر) .

(۱۴۳) : — اشخاص منہم بالقتل که قبل از محکومیت حقیقتاً و ارثان مقتولین و
بمبلغ و یا جنس معینی رضامند ساخته ورثه در محکمه شرعیه سوگواری
ندهند و کار سازی شان نایت شود شخص منہم بالقتل بعد از علم قاضی
(تعزیر) .

و اگر قبل از مرافقه حکومت و قضا برای پامال کردن مصالحه نموده
و حکومت اطلاع ندهند چون اطلاع و افسات قتل محکوم حتمی
است سایر ان ورثه مقتول نیز (تعزیر) می شوند .

(۱۴۴) : زینکه به استعمال و سایط مخصوصه و یا از طرف دیگری به استعمال آن
مبادا داده موجب اسقاط جنین خود گردد .

علاوه بر تاوان شرعی صکه عبارت از غره که نصف عشر دین بمعاقله
است (تعزیر)

(۱۴۵) : — زینکه برضای بکزن دیگر تدارک و سایط مخصوصه نموده بدون رضای

شوهر جنینش را اسقاط نماید علاوه بر تاوان شرعی مذکور (تعزیر)

(۱۴۶) : — هر گاه درین اثنا حامله وقت گردد و جنینش ساقط گردیده بود علاوه

بر تاوان شرعی که بمعاقله حامله میشود برای زینکه واسطه شده (تعزیر)

(۱۴۷) :- در صورتیکه بدون رضای زن و - ایط مخصوص استعمال کرده شود ، یا افعالی مانند ضرب و جرح موجب سقوط جنین گردد ، فاعل علاوه بر تاوان شرعی که بر ماقده جرح و ضارب می آید (تعزیر) .

(۱۴۸) :- اگر در انتهای اینگونه اسقاط جنین ، زن وفات نماید و جنین میت شده ساقط شود تاوان جنین و دیت زن هر دو ذمه فاعل است ، و هر گاه جنین حیات بود در ثانی فوت کرد دیت کامل بر ذمه فاعل بود و (تعزیر) در هر دو صورت میباید .

(۱۴۹) :- هر گاه اینجنین جنینم را یک طبیب یا قابله اجرا نماید علاوه بر جزا های که در قاعده های پنجگانه معین است در حکم هر قاعده که داخل باشد بعد از تاوان شرعی بر ماقده زن ، تعزیر بر طبیب جاهل و قابله (

(۱۵۰) :- هر گاه که ایک بیوه ، فعل شنیع لواطت اجرا نماید (تعزیر الی قتل) ، (۱۵۱) :- اگر مفعول قتل از زده - ال باشد (از جزا - معاف) ، و اگر مفعول زیاد از یازده سال باشد و جبراً فعل شنیع در حق او اجرا شود از جزا معاف (

(۱۵۲) :- اگر مفعول عمرش زیاد از یازده سال بوده برضا و رغبت خود بفعل شنیع تن داده باشد ، تعزیر الی قتل ، *

(۱۵۳) :- اگر کسی برای بچه بازی بچه نگاه کند (تعزیر) ، و امرد نیز در صورت رضا نیز بهمین (تعزیر) محکوم میشود .

(۱۵۴) :- کسیکه مشهم بفجور باشد اسک یک امرد را با کراه بگریزاند (تعزیر) و اگر یک شخص مستور الحال با کراه و یا بصورت خنده بگریزاند همه حال نسبتاً (تعزیر)

۱۵۵ :- هر گاه شخص محسن با زن غیر محصنه فعل زنا نماید [زانی رجم و زانیه صد دره] .

۱۵۶ :- هر گاه يك مرد محسن با يك زن محصنه برضای جانبین فعل شنيع اجرا نماید (زانی و زانیه رجم) .

۱۵۷ :- اگر يك مرد غیر محسن با يك زنیکه شوهر زن عسکری باشد که در مقابل دشمن بهاربه است، فعل شنيع اجرا نماید (زانی صد دره علاوه تعزیر زانیه رجم) .

۱۵۸ :- اگر کسی يك زن شوهر دار، را که شوهرش خواه در سفر و خواه در حضر و خواه زن عسکری و خواه از اهالی باشد بطور جبر و یا حيله بگريزاند (تعزیر) .

در صورت جبر و حيله زن شوهر دار (از جزا معاف) و در صورت رضا بجزای مذکور گرفتار میشود .

(۱۵۹) :- اگر کسی يك زن بیوه را و یا يك دختر خانه را بطور جبر و یا حيله بگريزاند (تعزیر) .

(۱۶۰) :- هر گاه شخص غیر محسن با يك زن محصنه فعل زنا اجرا نماید (زانی صد دره ، زانیه رجم)

(۱۶۱) :- هر گاه يك شخص غیر محسن با يك زن غیر محصنه زنا کند (زانی و زانیه صد دره) .

(۱۶۲) :- اگر کسی از طرفین در ارتکاب فعل شيع جبراً مجبور شده باشد (مجبور از جزا معاف دانسته میشود) جابر (تعزیر) میشود .

(۱۶۳) :- زنیکه با دیوانه زنا کند (تعزیر) .

(۱۶۴) :- زنیکه شوهرش غایب شد و خودش حمله گردیده بر زنا اقرار و

- نسبت فعل را يك شخص منكر نمايد ، اگر برضای خودش فعل
 وقوع یافته باشد (تجزیر) .
- (۱۶۵) : — اگر بخاندن زن شوهردار در صورت اقرار زن که برضای خود رفته
 باشد و یا بقرائن قطعیه ثابت شود نسبتاً (تجزیر) .
- (۱۶۶) — : در مسئله زنا که حد شرعی بشبهه ساقط شود (تجزیر) .
- (۱۶۷) — : کسیکه يك صدمه غیر فعل زنا بکارت باکره رازائل کند علاوه
 بر مهر مثل (تجزیر) .
- (۱۶۸) — : مردیکه بازن اجنبیه بغیر زنا ولو اطه بباقی اعضای او دست هرازی
 و یا ماسس کند در صورتیکه مرد اکراه کند تنها مرد ، و در صورت
 رضا زن و مرد هر دو (تجزیر) .
- (۱۶۹) — : زنهاییکه به بد افعالی متواتره شهرت پیدا کنند (تجزیر) .
- (۱۷۰) — : شاهدانیکه بزنا شهادت داده اند در زمان رجم زانی فوت و یا بدون
 عذر قائل شده باشند از محکوم علیه مذکور حد ساقط شده (تجزیر
 و تشهیر) میشوند .
- اگر قبل از یکماه شاهدان مذکور حاضر شوند محکوم علیه (رجم
 و اگر پس از یکماه حاضر شوند حد ساقط و همان تجزیر اجرا میشود) .
- (۱۷۱) : — : کسانیکه بر معاملات جزائیه شاهدی ناحق میدهند (تشهیر) .
- (۱۷۲) : — : کسانیکه بمسائل حقوقیه شاهدی دروغ بدهند و یا قسم ناحق بخورند
 در صورت رجوع شاهدان ، علاوه بر مقدار قصاصیکه بصاحب حق
 رسیده (تشهیر و تجزیر) .
- در صورت عدم رجوع شاهدان تنها تشهیر .

(۱۷۳) : — کسانیکه شخصی را بموضع شخص دیگری که حقیقتاً آنشخص حاضر نباشد در محکمه آورده برای فواید خود بفریب از اقرار شخص غائب وثیقه شرعی حاصل نمایند ، کذا بعض اشخاص درواقعه مذکور تصدیق نمایند هرگاه منفعتی حاصل کرده باشند به شخص ضرر رسیده مسترد گردیده اشخاص فریب کننده (تغزیر) . و نفی مصدقین جزای شاهد زور می بینند اگر فائده تحصیل نکرده باشند فریب کنندگان و مصدقان معامله مذکور جمماً جزای شاهد زور می بینند .

(۱۷۴) : — درحالیکه يك وارث عدم وقوع قتل را دانسته بريك شخص بتدارك شاهد زور دعوی قتل اقامه نماید و بطلان دعوی او بصورت برجیات بودن مقتول ثابت گردد وارث مدعی (تغزیر) .

(۱۷۵) : — هرکسیکه بقوه اجرائیه و یا بقوه عدلیه و یا بیک مأموریکه واسطه رسانیدن کیفیت است باین دو قوه اخبار نامه و یا شکایت نامه داده بیک شخصی که بیگناهی او را محقق میداند ، یا از برای غرض بیک مأموریکه يك گناه را اسناد کند و یا خود در مخالفت آن شخص آثار دلایل مادی بسازد و جرمهای اسناد کرده گی او برخلاف ظاهر شود نسبتاً مقتری (تغزیر)

(۱۷۶) : — هرگاه شخصی برخلاف شخص دیگر قذف ینی جرم اسناد زنا را ارتکاب کند ، قاذف برطبق فصل مخصوص (فتاوی امانیه) [هشتاد دره ضرب می شود] .

(۱۷۷) : — هرکسیکه برخلاف دیگری به تبیین يك جرم مخصوص و یا به بیان کردن يك ماده مخصوصه که تشکیل جرم نماید مردمان را ببحقارت و خصومت

خود معروض داشته و یا کسی را با اسنادی که موجب کسر و ناموس و اعتبار او باشد ذم کند (تذیر) .

(۱۷۸) : — برای اینکه ذم مذکور مستلزم جزا باشد واقع گردیدن آن یکی از صورت‌هایی که در ذیل نشان داده شده شرط است :-

اولاً : — در مواجهه متجاوز علیه در یک مجلس و یا در یک موقع که دیگر اشخاص شنیده بتوانند علنی باشد .

ثانیاً : — باید در غیاب متجاوز علیه و لاکن با یکچند اشخاص مجتمع و یا متفرق اختلاط کرده اجرا شود .

ثالثاً : — باید بصورت اسم و نوشته لوائح عبرت که بر عموم نشر و تشهر میگردد و یا بر بعضی مردمان توزیع گردیده باشد و یا مکتوب کشاده که برای راست بمتجاوز علیه فرستاده شده باشد و یا بواسطه ورقه پوست رقوع یافته باشد .

رابعاً : — باید باهر رقم جراند و و سائل یومیه موقوفه و هر نوع مطبوعات و و سائط نشریه واقع شود .

(۱۷۹) : — هر گاه بر خلاف شخصیکه با شتم دچار تجاوز گردیده است از سبب ماده که موضوع شتم است تعقیبات قانونیه اجرا شود و مستحق شود که متجاوز بیگناهی شخصی را که بروی تعرض واقع گردیده دانسته در صدد پیوستن اسنادات به اوست آزمون شتم با قزاقانقلاب گردیده مطابق قاعده که در باره افتراست حکم داده میشود . هر گاه شخصی که ارتکاب جرم شتم را نموده در اینه بر ایت خود انبات صحت و یا شهرت فعلیکه بر متجاوز علیه اسناد نموده نخواهد این ادعایش قبول نمیشود .

(۱۸۰) :- هر کسیکه بدون تعیین کدام ماده مخصوصه بکسورت دیگر بر نا اوس
 و یا شهرت و یا حیثیت یک شخص دیگر مرتکب فعل (قرح) گردد (تعزیر)
 جرم (قرح) نیز یکی از صورتهای چهارگانه که در باره شتم ذکر شد
 لازم است که بوقوع بیاید فاعل قرح هرگاه اثبات کردن چیزهای را که
 اسناد کرده است ادعا نماید مسوع نمیشود .

(۱۸۱) :- هرگاه در میان دزدان بکثیر و زیاده ازان مساجح بوده در انشای شب
 دیوار یک خانه و یا دکائیکه دران اسنان اقامت میورزد شکافته و یا اینکه
 قفل آنرا شکستانده و یا خود خویشین را مساند مأمورین دولت
 نشانند و بایک امر ساخته گی که از یک مأمور دولت گرفته باشد ابراز نموده
 بدرون داخل شده و انجا جبر و شدت نموده دزدی کنند اگر
 بمطابق کتاب (فتاوی امانیه) حد لازم نشود . بعد از تاوان
 شرعی هر یکی از دزدان را (تعزیر)

(۱۸۲) :- هرگاه دو کس و یا زیاده بران یک خانه در آمده با اجرای معامله جبر
 و شدت دزدی کنند اگر بمطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نشود ،
 هر یک از دزدان (تعزیر)

اگر در انشای معامله جبر و شدت یک آدم را مجروح سازند اگر مطابق
 (فتاوی امانیه) حد و قصاص لازم نشود . بعد از تاوان شرعی (تعزیر)
 (۱۸۳) :- هرگاه در یک خانه که کس اقامت نداشته باشد بصورتیکه در دو قاعده
 فوق بیان شد داخل گردیده دزدی کنند اگر مطابق (فتاوی امانیه)
 حد لازم نشود . بعد از تاوان شرعی (تعزیر) .

(۱۸۴) : — هرگاه هنگام شب یکچند نفر یکجا شده در راه علم دزدی نمایند اگر مطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نیاید علاوه بر تاوان مال مسروق

[تعزیری قتل]

(۱۸۵) : کسانیکه بغیر از همین چند صورت هائیکه در قاعده های فوق بیان گردیده بیک رقم دیگر دزدی کنند ، عموماً اگر بمطابق (فتاوی امانیه حد لازم نشود ، بعد از تاوان مال (تعزیر) .

(۱۸۶) : — هرگاه عراده چپها و کرایه کشها اشیائی را که حمل و نقل مینمایند خیانت کنند ، بعد از تاوان شرعی (تعزیر) .

(۱۸۷) : — هرکسیکه اسب و سائر حیوانات سواری و باری و عراده و مسابند نرگاو و ماده گاو و حیواناتی را بدزدد ، اگر بمطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نشود ، بعد از تاوان شرعی (تعزیر) .

(۱۸۸) : — هرکس که آلات و ادوات زراعت و هیزدیکه برای فروش فراهم و احضار گردیده باشد و چوب تعمیر و مرغهای خانگی و کشتکار درویده و نادروده را بدزدد اگر بمطابق (فتاوی امانیه) حد لازم نشود ، بعد از تاوان (تعزیر) .

(۱۸۹) : — هرکسیکه یک کلید را تقلید کند و یا یک رقم آله که قفل را بکشد بسازد (تعزیر) .

(۱۹۰) : — دزد اینکه بجانۀ شخصی برای دزدی رفته به بردن مال موفق نشوند و جرمی هم واقع نگردد اشخاص مسلح و غیرمسلح شان نسبتاً (تعزیر)

(۱۹۱) : — اشخاصیکه بدزدی و داره و تاراج شهرت پیدا کرده باعث اختلال امنیت و رفاه عامه شوند ، باید که اشخاص در سبب و روشناس آنجا در محکمه ابتدائیه محلی رفته صورت واقعه را سجل شرعی نمایند تا حکم

محلّی موصوف معلوماتیکه در باره آنها داشته باشد نیز تحریر کرده در محکمه شرعیّه محلّی بسپارد ، این معلومات بعد از علم قاضی در حقوق الله مدار حکم شرعی میگردد . اگر شهرت دزدی و داره و تاراج متواتر یا غیر متواتر و یا محدود باشد نسبتاً (تعزیر) .

(۱۹۲) : — کسانیکه بارتکاب دزدی و داره و غیره جرایم محکوم به نقل مکان بیک موضع معین گردیده خلاف حکم ازان محل بحکومتی منقّی و یا دیگر حکومت و علاقه جات افغانستان بروند (تعزیر) .

اگر ناتیاً در محل مذکور منشاء فساد و داره گردند (تعزیر الی قتل)
(۱۹۳) : — شخصیکه در مقابر رفته کفن میت را بکشد (تعزیر) .

(۱۹۴) : — هرکسیکه جبراً از دست شخصی بیک حجت تقدیمی و سند قرض را بگیرد بعد از گرفتن سند و حجت که تحویل صاحبش بنماید (تعزیر) .
و اگر دزد مال مسروقه را قبل از حکم قاضی بصاحب مال تسلیم نمود حد لازم نمیشود (تعزیر) .

ماده (۳۱) نظامنامه هذا شامل این فصل است .

(۱۹۵) : — کسیکه اموال دولت را تقدماً یا جنساً سرقت نماید چون حد لازم نمیشود نسبتاً (تعزیر) و مثل آن مال از سارق گرفته تحویل خزینة بیت المال شود ، اگر مأمور باشد (طرد از مأموریت) .

(۱۹۶) : — اگر مرتکبین جرمی که در قاعده (۱۹۵) بیان گردیده ملازم دولت نباشند باوجود آنهم بموجب قاعده مزبور مجرم شناخته (تعزیر میشوند)

(۱۹۷) : — کسیکه بیک کودک را بیک چیزی راضی وقانع گردانیده مجله از دست وی سند دین یعنی حجت و یا کدام ورقه ابر و تمهد را بگیرد هرگاه بکودک قصاص رسیده باشد ، تاوان آنها میدهد و علاوه بران (تعزیر)

(۱۹۸) هرگاه کسی بريك كاغذ سفيد مهر دار ويا امضا دار كه باو امانت تسليم گردیده باشد ، امانت داری خود را سوء استعمال نموده بنام صاحب مهر و امضا عيارا نيكه ، متضمن تعهد ويا ابرا بوده ، ويا خود برآن يك سندی بنويسد كه صاحب امضارا ذاناً و إيمالاً نقصان برساند بعد از تاوان شرعی (تعزير) .

۱۹۹ : — کسیکه بصورت امانت و وکالت سندات ، واو راق اموال ، اشيا و نقود سائره كه باو تسليم گردیده باشد بصاحبش اعاده نموده پنهان و يا ضایع كند بعد از تاوان (تعزير) .

۲۰۰ : — کسیکه قمار مینزند هر يك از قمار بازان (تعزير) .

۲۰۱ : — کسیکه در خانه و دكانهای خود پنهانی قمار بازانرا آورده از آنها حق نعل میگيرند (تعزير) .

۲۰۲ : — کسیکه حیوانات سواری و بار گیر و اسب مراده و سائر حیوانات دیگر را قصداً اتلاف نماید ، بعد از تاوان شرعی (تعزير)

۲۰۳ : — کسی که طرق عمومیه و یا چشمه ، و یا بیل و یا آبرو های آب و یا ابنه که ملك خود او نباشد بالاختیار هدم و تخریب كند بعد از تاوان شرعی (تعزير) .

۲۰۴ : — کسیکه بدون يكدست آویز رسمی و حجت شرعی كه حق او را اثبات نماید خود سرخلاف حكم شریعت اموال غیر منقوله را كه داخل عهده تصرف شخصی دیگری باشد ضبط و مداخله نماید ، بعد از استرداد چیز ضبط گردیده گي (تعزير) .

۲۰۵ : — کسیکه نهالستان باغ و یا نهالهای قيمتدار و میوه دار را قطع و تلف نماید و یا بقصد تخریب دران حیوانات را بكشاید علاوه بر تاوان

شرعی (تعزیر) .

(۲۰۶) : — طبیبان و جراحان و عطاران نیکه بنا بر سوء قصد به بیمار دواى مهلك داده موجب و فات مريض گردند (تعزیر)

۲۰۷ : — هرگاه اینچنین يك دواى مهلك بنا بر سوء قصد داده شده باشد هر چند كه موجب موت و هلاك مريض نگردیده باعث شدت بیماری و مرض شود طبیب و یا عطار و جراح برای اینکه آینده در هیچ جا اجرای صنعت نتواند شهادتنامه شان ضبط گردیده (تعزیر)

(۲۰۸) : — طبیبان و یا جراحان و عطاران که جاهل باشند ، سهواً بمريض دواى مهلك داده ، و یا هر حال در فریضة ماموریت خودها غفلت و اهمال نموده این سهوا و اهمال شان سبب موت مريض گردد برای اینکه آینده در هیچ جا اجرای صنعت نتواند شهادتنامه شان ضبط و (تعزیر) .

(۲۰۹) : — اگر ازین اهمال مريض وفات نیافته بلکه موجب شدت بیماریش گردد (تعزیر) .

(۲۱۰) : — داكترها و اطباءى يونانى كه از مدیریت مستقله طبیه اجازتنامه معالجه نداشته در شهر كابل بمداواى اهالی پردازند ، اگر از معالجه شان هیچ آسبى هم به بیمار نرسد چون از اداره طبیه اعلان شده كه هیچ طبیب بدون شهادتنامه مدیریت طبیه علاج نکنند بنا بر همین مخالفت (تعزیر)

(۲۱۱) : — در صورت عدم حصول مصارف محكمه ، از صاحب سجل در مركز ها به موجب تحقیقات کوتوالیها ، و در حكومتیها به موجب تحقیقات حكام محلی كه لا جابدادى صاحب سجل را اثبات نماید از محكمه مجازاً بلا بدل فیصله داده میشود .

(۲۱۲) : — كسانكه بتهام جرائم توقیف شوند و در محاكم عدلیه اصل فعل برای

شان ثابت شود ایام مدۀ حبس شان از ابتدای توقیف محسوب است .
(۲۱۳) : - شخصیکه ایام حبس را تکمیل نماید ، و یا بواسطه انہامی توقیف شدہ
باشد حبس رہائی خامن گرفته نمیشود .

(۲۱۴) : - کسانیکه عیال منکوحہ کسی را کہ شوہرش مسافر باشد برای دیگری
بغریب عقد نکاح نمایند (تعزیر) . و زن بشوہر اصلیش واپس
داده شود .

(۲۱۵) : - در کندن یا تراشیدن بقدر ربع و اضافه از آن موی سر و ریش
مرد را اجباراً (تعزیر) . و اگر موی سر زن را بقدر ربع و اضافه
از آن جبراً کند و یا تراشید نسبتاً (تعزیر) . در کندن و تراشیدن
موی مرد وزن در صورت اجبار کہ مادون از ربع باشد نیز (تعزیر)
(۲۱۶) : - شخصیکه پدر و یا مادرش از ایذاء و یا طوار نا پسند او بہ محاکم شاکی
شود (تعزیر) .

(۲۱۷) : - زنیکہ بدون عذر شرعی و بلا اذن شوہرش در خانہ مردمان آجانب
برود (تعزیر) .

(۲۱۸) : - برای شخصیکہ باستثنای قتل کہ بعد العفو در نظامنامہ جزای عمومی
حکم تعزیر شدہ مرتکب یک جرمی گردد اگر از طرف
مدعی عفو صادر شود ، و آن جرم با قرار خود مجرم ثابت باشد
تعزیر ساقط نمیگردد بہر حال تعزیریکہ بہ تخصیص همان جرم
در نظامنامہ جزای عمومی ذکر شدہ در بارہ او اجرا میشود .

(۲۱۹) : - آکل الر یاہنی سود خورندہ را (تعزیر) . و سود دہندہ
اگر مجبور نباشد نیز (تعزیر)

(۴۱)

(۲۲۰) : - اگر يك شخص كلف عاقل بالغ را در يك جرم نامشروع مباشرت به بيند فاعل آن فعل را به نصايح مفيده منع كنند و اگر منع نشود بقاضى و حاكم محلى اخبار كنند .

(۲۲۱) : - اشخاصيكه خود را به مردم به صفت مخبر دولت معرفى ميكنند و با اين صفت خود را شهرت ميدهند و باين وسيله باعث تحريف اهالى ميشوند (تعزير) .

(۲۲۲) : - كسايكه باى ساحتن زيورات مسكوكات دولت را آب مى نمايند (تعزير)



فصل دوم

- (۲۲۳) : - بکث سری از اسرار سیاسی و عسکری دولت بحسب ماوریت خود واقف گردیده در حال عدم ماذونیت آنرا به دشمن افشای نمودن (تعزیر)
- (۲۲۴) : - قاضی ها و جمله سامورینیکه وظایف و خدمات رسمیه را در عهده گرفته اند و اعضای منتخبه منصوبه و جمیع مجالس رسمیه و کسانیکه از احاد ناس مانند حکم و اهل خبره بوده بایک وظیفه رسمیه مکلف هستند و وکیل های دعوی برای نکردن چیزیکه شرعاً بکردن آن مجبورند ، و یا برای کردن چیزیکه شرعاً به آن مجبور نیستند پول و یا اشیا نیکه نام هدیه بگیرند و پاساژ منافعیکه باینصورت برای خود نامین مینمایند و فرق فاحش که در بین قیمت حقیقه و آمن اسمای اموال و املاکیکه برای همین مقصد خرام کم و یا زیاده بیع و شرا شوند گرفته میشود رشوت است .
- (۲۲۵) : - یک ساموریکه بفرض باطل گردانیدن یک حق رشوت بگیرد رشوتیکه گرفته است از نزدش به راشی استرداد میگردد در صورت عدم حضور راشی بخزاینه دولت نادیه میشود و مرتشی (تعزیر) .
- (۲۲۶) : - هر گاه رشوت تنها برای وعده کردن و یا نکردن کدام کاری گرفته شده بطلان حق بعمل نیامده باشد ، رشوت از نزدش استرداد گردیده علاوه بر رشوت (تعزیر) .
- (۲۲۷) : - راشی یعنی رشوت دهنده بهر دو صورت نسبتاً (تعزیر) .

(۲۲۸) :- هرگاه يك آدم برای محافظه جان و مال و عرض خود و الحاصل برای حفظ يك منفعت مشروعه خود برشوت دادن مجبور گردد رشوتیكه داده است واپس بخودش تاه میشود و تنها مرتشی جزا می بیند .

(۲۲۹) :- ماموربیکه اموال دولت را نقداً ویا جنساً به جود کاری خیانت کند شخص مذکور را (تعزیر داده شود و مال خیانت کرده کی از نزدش استرداد گردیده طرد از ماموریت) .

(۲۳۰) :- ماموربیکه در وقت بیع وشرایه اشیاء بحساب دولت در معاملات خرید و فروش آن دست بازی نموده خود از ان مستفید گردد (تعزیر)

(۲۳۱) :- هرگاه یکی از مامورین دولت حق يك آدم را که از دولت میگیرد تماماً نداده يك قسم آنرا خودش بگیرد (مثل بیسه گرفته از وی استرداد گردیده به ذبحق تسلیم شود علاوه تعزیر) . هرگاه بواسطه شخص

دیگر مرتکب این جرم گردد (خود مامور یا مرتکب جرم تعزیر)
(۲۳۲) :- هرگاه یکی از مامورین دولت اجرت عملة را که برای کار دولت استخدام نموده است کم بدهد ویا هیچ نداده خودش بگیرد بیسه که گرفته است از خودش گرفته عوض اجورہ عملة بآنها داده میشود علاوه تعزیر) .

(۲۳۳) :- هرگاه یکی از مامورین دولت در مزائیداردات بیت المال نقصان برساند اگر خودش بکسسه خود بریزد از خودش استرداد میگردد و لا بدیگری گذاشته باشد از ان شخص تحصیل و تحویل خریه بیت المال گردیده همه حال مامور مذکور (تعزیر) گردیده از ماموریت طرد میشود .

(۲۳۴) :- هرگاه یکی از مامورین دولت برای تمتع واستناده خود سرراً ویا علناً بالذات ویا علی طریق المشارکه در خریداری بعضی اشیاء بیکه بوزارت

و یا اداره او لازم بوده از طرف دولت در آن خصوص امر داده شده باشد
و یا در خرید بعضی اشیا بیکه بحساب دولت خریده میشوند ، و یا در فروش
چیزهاییکه از طرف دولت برای او سپرده میشود مشارکت ورزیده بود
(از ماموریت طرد و تمیز)

(۲۳۵) :- اگر در خرید و فروخت این اموال اجرت و سلطت بگیرد (از
ماموریت طرد)

(۲۳۶) :- مامورینی که برای خود و یا برای دیگران بیست مرتب کاری را برداشت
می نمایند (از ماموریت طرد و تمیز)

(۲۳۷) :- مداخله کردن مامور بصورت جبر و محکم در حق مدعی یا مدعی علیه
بنا بر یک غرض و حمایه در حضور محاکم شرعی عدلیه و اداره طرد)
(۲۳۸) :- اگر در نتیجه جبر و محکم از محکمه بناحق یک حکم صادر گردد
(مامور مداخله کننده و محکم کننده تمیز)

(۲۳۹) :- قاضی های محکمه ها و انتضای مجلس های مشوره علاوه بر امضا
نکردن بر مداخله که جبراً بوقوع آمده است ، میباید که احوال آن را
نیز بدوات اطلاع و اخبار نمایند والا اگر در یکی ازین دو امر ف و گذاشت
نموده بودند (عزل از ماموریت)

(۲۴۰) :- رئیس های مجلس و یا قاضی های محکمه ها آنکه معامله را از روی جبر
و التماس مخالف شرع اجرا کرده باشند ، رؤا و انتضای آن نسبتاً
(تمیز و طرد از ماموریت)

(۲۴۱) :- اگر یک مامور برای اجرا نگر دیدن یکی از اوامر نظامات دولت و یا
برای تحصیل نشدن اموال دولت صرف نفوذ بنماید (تمیز)

(۲۴۲) :- هرگاه کدام وزیر و یا نایب الحکومه و یا حاکم اعلی یا حاکم بعلاقه دار و مستوفی و سررشته دار و قاضی و مامور مالیه و مدیران تجارت و زراعت و گمرک در داخل منطقه ماموریت خود تجارت خرید و فروخت ارزاق را در دست خود گرفته بالذات اجرا نماید چنین اشخاص تجارت خواه عانی باشد یا سری (از ماموریت طرد میشود و فقط در جاییکه هست اگر از خود املاک و اراضی داشته باشد تجارت محصول زمین های خودش ازین قاعده مستثنی است)

(۲۴۳) :- هرگاه ماموریکه بلا عذر معقول فرماها و امر نامه ها بیکه دولت نشر نموده باشد نشر نماید (طرد از ماموریت)

(۲۴۴) :- هرگاه يك مامور بلا سبب مقبول در ایامی وظيفه خود غفلت و اهمال ورزد و یا امری را كه از طرف امرش موفق به حکام شرعی و سیاسیه داده شده باشد اجرا نماید اگر ازین عدم اجرا برای دولت يك ضرر برسد نظر بدرجه ضرر بعد از استرداد تاوان شرعی (تعزیر) • و هرگاه ازین سیاست دولت يك ضرر برسد نیز (تعزیر) • و اگر ازین برای یکی از رعایا يك ضرر مالی برسد علاوه بر (تعزیر) تاوان همان ضرر از وی نیز گرفته می شود .

(۲۴۵) :- مامورین ماتحت هرگاه علاوه بر استانات خود بوظائف آمران شان جرأت ورزند و ازین خلاف ورزی آنها چیزی ضرر نرسد تعزیر و اگر برای دولت يك ضرری برسد نظر بدرجه ضرر بعد از تاوان (تعزیر) •

و اگر سیاست دولت ضرر برسد نظر بمراتب ضرر نسبتاً (تعزیر) • و اگر ازین برای یکی از رعایا ضرر برسد علاوه بر تاوان مال نظر بمراتب

جرم نسبتاً (تعزیر) .

(۲۴۶) :- هرگاه یکی از مامورین برای اعتراف کنائیدن جرم بر یک شخص . مظلون
و یا متهم بذیت و اشکنجه او امر نماید و یا خود . لذات اجرا نماید (از

ماموریت برای همیشه طرد و استرداد رتبه و نشان و تعزیر) .
اگر آدم اشکنجه شده از صدمه اشکنجه و قاتل یا بد کسیکه اشکنجه او را
امر داده است جزای قاتل را که دیت بر ماقله اوست می بیند بشرطیکه
مامور مجبور ثابت شود و اگر مجبور نباشد (دیت بماقله اشکنجه کننده
که مامور است میشود) .

(۲۴۷) :- هرگاه یکی از مامورین در حق یک مجبوس از طرز مجازاتیکه شرعی و
سیاسی تعیین نموده است بالاتر و سنگین تر آنرا اجرا نماید و یا اجرای آنرا
بدگیری بفرماید (تعزیر) .

(۲۴۸) :- هرگاه یک مامور مخالف طرزیکه آنرا شریعت نشان داده است بخانه
یکی از رعایا بدون اذن صاحب خانه داخل شود (تعزیر) . اگر هم
در خانه داخل شود وهم بخواهش خود به اجرای جستجو و تفتیش
قیام و اقدام نماید نسبتاً (تعزیر) .

(۲۴۹) :- هرگاه یکی از مامورین مال و ملک یکی از رعایا را جبراً اشترای و یا به ادعای
بیمنی ضبط کند و یا فروشد ، مال و ملکیکه گرفته شده دو باره
بصاحبش عیناً در صورت وجود مال و یا بدلا در صورت اتلاف اعاده
میشود ، خود مامور (طرد و تعزیر) .

(۲۵۰) :- اگر یکی از مامورین دولت از رعایا زیاده از محاصل دولت یک چیزی
اصافه ستانی نموده آنرا در کیسه خود بریزد (علاوه بر استرداد مقساریکه
گرفته است تعزیر) .

(۲۵۱) :- اموالیکه در یکی از کرکها محصول شده و از آنجا بجای دیگر نقل شود
 و مدیر کرک دیگر جای دوباره محصول بگیرد همان مدیر کرک (تعزیر) .
 (۲۵۲) :- هرگاه مامورین کرک مال تجارتی را ملاحظه و محصول نکرده سند
 داده بود و ثابت گردید همان مأمور کرک و تاجر [تعزیر] .

(۲۵۳) :- هرگاه يك مامور ویا يك رئیس و سرکرده اهالی غیر از خدمتهايکه
 بموجب کدام نظامنامه ویا فرمان پادشاهی شرعاً امر شده باشد رعایا را
 بیگار گرفته از آنها کار بگیرد حق اجرت عمه بیگار از وی گرفته بعمله
 داده میشود و [تعزیر] .

(۲۵۴) :- هرگاه از مأمورین دولت ویا آدمهای شان ویا منصبداران و سپاهیان
 نظامی و کوتوالی در خانه رعایا و اهالی فروکش گردیده بی رضا و جبراً
 طعام بخورند ویا برای اسب ها جو و کاه و غنچه بگیرند [قیمت
 اشیاییکه گرفته و خورده اند اتر داد گردید . بصاحبانش داده میشود
 علاوه تعزیر] .

اگر اردوی نظامی در اثنای کوچ از یکجا بدیگر جا مرتکب اینچنین
 حرکت گردد . قیمت چیزهاییکه گرفته شده باشد بقسم تلوان از منصبدار
 فوج که بایشان درین جرم شریک بوده گرفته میشود و خود منصبدار
 در دیوان حرب در تحت محاکمه می آید و پاهبان نیز اگر بی اجازه
 منصبدار مرتکب گردیده باشند قرار فوق محکوم به [تعزیر] میشوند .

(۲۵۵) :- کسانیکه یکی از مأمورین ویا از پاهبان و منصبداران نظامی و کوتوالی
 ویا پس را در اثنای ایفای وظیفه ویا بخاطر وظیفه شان که ایفای مینمایند
 ضرب و جرح ویا اینکه جبر و تشدد نمایند ویا سلاح بکشند علاوه بر
 جزای مستلزم ضرب و جرح [تعزیر] .

(۲۵۶) :- هر گاه از پیش سپاهی یا نصابدار نظامی و پولیس که بر محافظه
یک محبوس مامور باشند بسبب غفلت و بی پروائی محبوس بگریزد نظر
بد جات اهل و غفلت شان نسبتاً (تعزیر) .

و اگر محبوس مذکور را قصداً بگریزانند ، هر گاه محبوس بقتل محکوم
شده باشد (تعزیر) .

هر گاه محبوس هنوز محکوم علیه نگردیده باشد و در باره او حکم محکمه
صادر نشده باشد و قصداً او را بگریزانند نسبتاً (تعزیر) .

(۲۵۷) :- از طرف مامورین دولت مهریکه برای حفظ بعضی اشیاء و یا اوراق
و یا کدام محل وضع شده باشد هر گاه آن مهر از سبب غفلت و سهل
انگاری کسیکه بمحافظه آن مامور است شکسته شود ماموریکه غفلت
نموده است (تعزیر) .

اگر مهر را خود همان ماموریکه بمحافظه آن کاشته شده باشد بدون
مادونیت بشکنند (تعزیر) .

علاوه بر شکسته شدن مهر هر گاه بعضی اشیاء و اوراق هم دزدی شده
باشد اسکر - سائق (فتاوی امانیه) بالای سارق حد لازم نشود
(تعزیر)

(۲۵۸) :- ماموریکه اوراق رسمی دولت را سرقت یا محو و اتلاف نماید (تعزیر)

(۲۵۹) :- هر گاه مامور پوسته خطوط رسمی و خصوصی که به پوسته خانه او
سپرده میشود آنها را بکشاید و یا در کشادن آن مساعدت نماید (تعزیر)

(۲۶۰) :- هر گاه یکی از مامورین خواه در میان سطرهای اعلام و فیصله آرا
و سندات و سایر سجلات دفاتر که در آشنای ابقای وظیفه خود بنویسند
یا بتغییر خط و خاتم و امضا و یا در صورت نوشتن اسم یک شخص بموض

شخص دیگر تعریفات نموده اینگونه ساخته کاری نمایند (تغزیر) .
(۲۶۱) :- هر گاه يك مامور در اتنای ابقای وظيفه خود در وقت نوشتن اوراق
رسمیه که تنظيم میکند يك چیز را که يك آدم نگفته است بقسم گفته کی
او و چیز را که گفته باشد بر عکس آن نوشته بدینصورت ساخته کاری
نماید (تغزیر)

(۲۶۲) :- رئیس های مجلس و قاضی های محکمه که اوراق ساخته گئی و قاعده
های فوق الذکر را دانسته در موقع اجرا بگذارند (تغزیر)
(۲۶۳) :- اگر يك مامور مرتکب جرمهاییکه در فصل اول باب اول تصریح شده
کردد و راجع باموریت او ملاحظه شود اصکر چه داخل
فصل دوم باب اول نیامده باشد محاکم شورای دولت و مجالس مشوره
مجرم را عیناً بر طبق معاملاتیکه داخل فصل اول باب اول ذکر شده
محکوم به (تغزیر) کرده میتوانند .



باب دوم

فصل اول

الف

(۲۶۴) :- کسیکه نشانی را که از طرف حکومت برای او داده نشده باشد بپاویزد یا البسه رسمیّه بالاتر از رتبه خود را بپوشد یا در حالیکه هیچ رتبه نداشته باشد لباس رسمی در بپوشد چونکه استعمال آن بدون اشخاص مجاز شده کی برای دیگری اجازه نیست (تعزیر)

(۲۶۵) :- کسیکه بداره های گمرک بیان نامه ها و بیجک های ساخته کی و محرف و خلاف حقیقت را ابراز نمایند (تعزیر)

(۲۶۶) :- اگر شخصی شخصی را ضرب و جرح نماید و جرح و ضرب مذکور سبب از کار پس ماندن او نگردد به مطابق احکام (قتاوی امانیه) دیت و یا قصاص لازم نشود ، بعد از ازش و تاوان جرح (تعزیر)

(۲۶۷) :- کسیکه محض بغرض تهدید و تخویف سلاح بکشد (تعزیر)

(۲۶۸) :- کسیکه متهم بفساد باشد اگر يك امر در راه به اکراه بگریزند و یا خدعه و فریب برد (تعزیر)

اگر يك شخص مستور الحال باکراه و یا بصورت خدعه بگریزند همه حال نسبتاً (تعزیر)

امر در صورت رضا به مجازاتی که بگریزند محکوم شده محکوم میشود ، و اگر يك طفل را بگریزند که مظنه بد فعلی نباشد خاص بگریزند (تعزیر)

- (۲۶۹) :- هر گاه بدون ذم و قدح یکی بر خلاف دیگری بیك اشاره مخصوصه
اجرای حقارت نماید . حقارت کننده (تعزیر)
(۲۷۰) :- کسیکه آلات و ادوات زراعت و صناعت مشروعه دیگری را بشکند و یا
خراب بکند بعد از تاوان شرعی (تعزیر)
(۲۷۱) :- کسیکه نهالستانها و کشت زارهای را که هنوز به کمال نرسیده باشد
قطع و تلف نماید و یا به مقصد تخریب در آن حیوانات را بکشد
بعد از تاوان شرعی (تعزیر)

فصل اول

(ب)

(۲۷۲) :- کسانی که میده اشاعه ونشر خبر های خلاف واقع متعلق سیاست داخلی مملکت شوند (تعزیر)

(۲۷۳) :- اشخاصی که چیزی را حکومت اعلان نکرده باشد بحکومت نسبت داده در بین اهالی نشر وشایع کنند (تعزیر)

(۲۷۴) :- کسانی که عنداللزوم بوزارت ها ودوائر دولت جلب میشوند ، اگر قریه دار ویا رئیس محلی ودیگر مأمور تصدیق حاضر نبودن و بیماری شخص جلب شده را می نمایند و کذب ظاهر شود مصدق کاذب (تعزیر)

(۲۷۵) :- اطبا وجراحان وعطاران وقابله ها اگر امرار شخصیه را که به اقتضای صنعت شان بآنها سپرده میشوند در غیر احوالی که قانوناً به اخبار آن مجبور اند افشا نمایند (تعزیر)

(۲۷۶) :- اشخاص متخاصمین که به محاکم عدلیه یا اداره های دولت در آشنای محاکمه و تحقیقات باهم مشا تمه کنند از محاکم عدلیه بموجب امر قضای در کوتوالی محلی و دیگر دوائر دولت از طرف آمر همان اداره که اختیار اجرای تعزیر را داشته باشد درباره اشخاص شامه این (تعزیر) اجرا میشود

(۲۷۷) :- سرقت اموالی که نصاب شرعی را که مراد از هفت قران است پوره نکنند (تعزیر) .

(۲۷۸) :- کرایه کش ها و کسانی که بخدمت اخذ بیعانه میکنند و از عهده انجام عمل برآمده نمیتوانند بعد از استرداد وجه بیعانه (تعزیر) .

(۲۷۹) :- کسیکه خندق و جرهائیکه بر دو را دور اراضی یک شخص دیگر کند
شده باشد پرو خاکریز نماید و یا احاطه هائیکه از تپه ها و خار و خس
بر اطراف کشتزار کشیده شده ویران کند بعد از تاوان (تعزیر)

(۲۸۰) :- در راهها و سرکها خاکروبه ها و گندگیها و سایر چیز هائیکه موجب
بدبوئی و تعفن باشند انداختن و به بی پروائی بالای کسی خاک جاروب
و چرکاب ریختن و در سرکها حسب اللزوم بعضی چوقوریاها کنند
شبانہ بر بالای آن فالوس نگذاشتن (تعزیر) .

(۲۸۱) :- در داخل شهر و دهات در جاهائیکه احتمال ضرر باشد اطاق انداختن
ممنوع است فاعل آن (تعزیر) .

(۲۸۲) :- در داخل شهرها بلا لزوم تفنگ زدن ممنوع است فاعل آن (تعزیر)
مراد از تفنگ زدن در شهر فقط همان مناطق شهر ازان مطلوب است
که از طرف قوماندانهای کوتوالی محلی محدود کرده میشود .

(۲۸۳) :- در جائیکه مردمان جمع باشند بسببیکه تو هم ضرر باهالی دارد اسپ
دوانیدن ممنوع است فاعل آن (تعزیر)

(۲۸۴) :- کسیکه از گرفتن سکه دولت بقیمت معینش انکار و استکاف ورزد (تعزیر)

(۲۸۵) :- قصد آبخانه و یا حویلی یک شخص دیگر خاک و سنگ و ناپاکی انداختن
و یا بجائیکه داخل شدن در آن ممنوع است در آمدن و از جائیکه گذشتن
از آن ممنوع است گذشتن (تعزیر)

(۲۸۶) :- بدرجه که باعث برهم زدن راحت اهالی گردد بلا موجب غال مغال و
شمانه کردن (تعزیر)

(۲۸۷) :- اعلای نائیکه باسر حکومت چپانیده و آویخته شده باشند کشدن
و پاره کردن (تعزیر)

(۲۸۸) :- کسانیکه کمتر از نرخ معین مروج اشیا خورا که و غیره را بفروشند
(تعزیر) .

(۲۸۹) :- کسی که جاهائی را برای منافع عمومی از قسم طرق عامه و میدانها
ترک و تخصیص شده باشند خراب و ویران سازد و یا از طول و عرض
آن مقداری برای خود بدزدد جائی را که خراب کرده است بخودش تعمیر میشود
و جائی را که دزدیده است از وی اخذ و استرداد گردیده بعد
(تعزیر) .

(۲۹۰) :- کسانیکه دیوارهای مساجد و جوامع و مقبره ها و سرکها و دیوارهای
عمارت های سرکاری و اذنیه خصوصی را به ذغال و سیاهی و غیره چرك
و خط میکشند و یا درخت هائی را که از طرف حکومت در سرکها نشانده
شده و یا گلزار هائی را که بر اطراف سرکها طرح شده اند خراب
کنند و گلهای آنرا جدا سازند (تعزیر) .

(۲۹۱) :- کسانیکه هنگام شب چراغهای موترهای و کادی و بایسکل را خاموش
گذاشته باشند (تعزیر) .

(۲۹۲) :- در آشنای مرور و عبور غیر پیاده بر سرکها بدست چپ خود نرفته
بدست راست بروند (تعزیر) .

(۲۹۳) :- گفتن الفاظ رکبک و لغو و طعن و استهزاء غیر قذف (تعزیر) .

(۲۹۴) :- جنک دادن طیور و حیوانات (تعزیر) .

(۲۹۵) :- در داخل شهر کبوتر پرانی و کاغذ پرانی و بدون عذر بالای بام
برآمدن که ازان همسایه متضرر شود (تعزیر) .

(۲۹۶) :- جنگهای خفیف و گفتگو های بازاری که روز مره واقع میشود در
صورتیکه یکی از جانبین بدائرة پولیس عرض کند (تعزیر) .

- (۲۹۷) :- آویختن مرغ زنده از پا برای فروختن در بازار (تعزیر) .
- (۲۹۸) :- اسپ را در بازار ایستاده کرده ، و خود جلو آنرا گرفته بردگانی نشستن چون توهم ضرر غیر دارد ممنوع است ، بنا بران فاعل آن (تعزیر)
- (۲۹۹) :- بر حیوان یا بريك عراده از مقدار اضافه از طاقش بار کردن ممنوع است (تعزیر) .
- (۳۰۰) :- استنجا بدست بر سرکها لاا با لیانه گشتن (تعزیر) .
- (۳۰۱) :- کسانیکه مانند مساجد و تربت و مانند آثار شریفه یا ابنیه و عماراتی را که از تزئینات بلدیہ میباشد خراب ورخته دار نمایند ؛ و یاد رختها و نهال هائیکه در راه ها و سرکها و کوجه ها و یا سخن های مساجد باشند بپرند ، بعد از ادای تاوان شرعی مقدار ضرر (تعزیر) .
- (۳۰۲) :- جلم بردار بازار و قصه خوان و اسپندی و رمال و فالین مسلمان و اهل هنود و سادو هائیکه بدر وازه های اهالی میگرددند موقوف اند اگر بعد ازین کسی مرتکب این فعل فوق گردید (تعزیر) .



فصل دوم

(۳۰۳) : - اگر هنوز رشوت داده و گرفته نشده باشد و تنها در باره اخذ و

اعطای آن يك گفتگو و با مقابله تحریری بعمل آمده وثابت شود ،

را شی و مرتشی (تعزیر) .

(۳۰۴) : - هر گاه يك مامور در صورتیکه برایش رشوت تکلیف شود و او

آنرا قبول نماید و متعاقباً بدولت خبر بدهد ، خودش علناً از طرف

اشرف پادشاهی بایک تحسین نامه تلطیف گردیده و را شی (تعزیر)

میشود .

(۳۰۵) : - کسیکه بر رشوت دادن مجبور شود ، و رشوت را برتشی داده باید در

ظرف یکمخته بدولت خبر بدهد ، هر گاه بدلائل مقننه رشوت را

اثبات نمود شخص مذکور از جزا معاف میشود .

(۳۰۶) کسیکه مامورین دولت را در اتنای ایفای وظیفه شان و یا در يك امریکه

متعلق خدمت شان باشد ، از کدام سببی برای شکستاندن قدر و ناموس

شان تحقیر کند و یا در حق شان حدت لسان بطریق فحش نماید و

یا خود تحویف نماید (تعزیر) .

اگر این معامله در اتنائیکه يك محکمه و بایک مجلس مشوره بکار مشغول

باشد واقع گردد نسبتاً (تعزیر)

(۳۰۷) : - کسانیکه سپاهیان و منصبداران نظامی و کوتوالی و پولیس را در اتنای

وظیفه شان حقارت کنند (تعزیر) .

(۳۰۸) : - سندات و اوراق رسمیه اگر از غفلت و سهل انگاری مأمورینیکه

محافظه آن مکلف اند محو و اتلاف گردد غفلت کنند (تعزیر) .

(۳۰۹) :- مامورینیکه در مقابل آمرهای خود بی حرمتی و سرکشی نمایند (تعزیر)
اگر سرکشی در مقابل يك تذیبهی که متعلق به ایفای وظیفه او بوده
بمعل آید علا و تاناً (از ماموریت عزل) .

(۳۱۰) :- مامورینیکه در حین ایفای امریکه آمرهای شان داده باشد سعی
و سهل انگاری نشان بدهند الی سه مرتبه (تعزیر) .
و به نوبت چهارم علا و بران (عزل) .

(۳۱۱) :- آمران مافوق هرگاه بوظیفه مامورین مانتحت خود در چنان مسائلیکه
قانوناً در داخل دائره صلاحیت مامورین مانتحت نمین گردیده باشد
بصورت سلب اختیارات مامورین مذکور مداخله نمایند (تعزیر)

(۳۱۲) :- مامورینیکه در خارج وظیفه از روی حیثیت ماموریت خود حرکتهای
نامناسب بنمایند ، در نوبت اول و دوم و سوم (تعزیر) .
در مرتبه چهارم (عزل از ماموریت) .

(۳۱۳) :- نایبالحکومه الی علاقه دار و مستوفی تامامورین مالیه و قوماندان های
عسکری در منطقه ماموریت خود ها تازمانی که باین حیثیات در مقامات
ماموره موظف اند از اراضی و اموال و اشیای سرکاری اگر بنام خود
و یا اشخاصی که طبعاً در مایملک برو اشتراك دارند خریداری نمایند
از ملازمت طرد و اشیای مزایمه استرداد و قیمت آن رد می شود .

(۳۱۴) :- مامورینیکه بترتیب اوراق سوانح عمر خود مکلفیت دارند به ادخل پسران
قابل التعلیم خود شان که سنین آنها از هشت سال کم و از دوازده سال
اضافه نباشد در مکاتب محلی مکلف اند .

در صورتیکه نسبت به تمیل قاعده هذا مساهات و تکاسل ورزند + در

مرتبه اولی و دوم (تعزیر) .
و در دفعه سوم از ماموریت (طرد) کرده میشود .

خاتم

(۳۱۵) — اگر کدام واقعه در دوائر حکومت وارد گردیده که حکم آن در نظامنامه
هند نبود از روی کتب فقه شریف مطابق مذهب حنفی روح فیصله کرده
صورت آن بشورای دولت ارسال شود ؛ که تا بعد از تصویب و منظوری
حضور شاهانه داخل نظامنامه هذا گردد .

(۳۱۶) — در اجرا و تطبیق مواد این نظامنامه وزارت داخلیه و وزارت عدلیه و
شورای دولت مامور و مکلف اند .

(۳۱۷) — همچنین در اجرای موادیکه بجزای اداری املق دارد مامورینیکه بنظامنامه
تشکیلات اساسیه در حل و فصل آن موظف اند نیز مکلف میباشدند .

امضای علمای منتخبه مجلس لویه جرگه

مواد نظامنامه هذا موافق احکام شرع شریف و مطابق مذهب مذهب حنفی روح و
بینی بروایات قویه مفتی بها است .
المصحح مولوی محمد ابراهیم
مولوی عبد الحی پنجشیری رئیس نمبر
کاموی مشرقی
بتدالله ابوالفتح فضل ربی پکهاوی
مولوی گل دست عفی عنه
ادخال و اجرای این نظامنامه را در نظامات دولت امر و اراده فرمودیم و
افقر عبد الخلق الصدیقی
نظامنامه مطبوعه طبع سنه ۱۳۰۰ جزای هموی متروک و منسوخ است .

ضمیمه نظامنامه جزای عمومی

(ماده اول) تبدیل ماده (۱۷۳) :

اشخاصیکه بدزدی و داره و تاراج شهرت پیدا کرده باعث اختلال امنیت و رفاہ عامه شوند باید که اشخاص درست و رو شناس آنجا در محکمه ابتدائیه محلی رفته صورت واقعه را سجل شرعی نمایند حاکم محلی موصوف معلوماتیکه در باره آنها داشته باشد نیز تحریر کرده در محکمه شرعیه محلی بسپارد و این معلومات بعد از عمل قاضی در تزییرات حقوق الله مدار حکم شرعی میگردد علاوه بر آن نایب الحکومه ها و حکام اعلی و کلان وقتاً فوقتاً عنداللزوم در منطقه های حکومت متعلقه خود یک نفر مأمور رسمی را که اهل باشد بصفت قضاء منفرداً و یا دو نفر دیگر را بچیت اعضا باین یک نفر موقتاً مقرر کرده میتواند که در آن منطقه رفته تقری مقصدین مذکور را سجل نموده در صورت اول از طرف قاضی محلی و در صورت دوم از طرف قاضی موقتی در محاس تعیین جزای محلی سپرده میشود تا حسب مراتب ذیل تعیین جزا کنند :-

الف : اگر شهرت دزدی و داره و تاراج متواتر باشد .

ب : اگر غیر متواتر باشد .

ج : اگر محدود باشد .

در هر سه صورت فوق بتناسب درجات تعیین جزای میکنند .

(۲) هر گاه در محیط یک علاقہ داری یا حکومتی یک شخص یا اشخاص به

تکرار مرتکب دزدی یا داره ازی یا قطع الطریق شده بودند و یا فساد

و مشهور بالفساد موجود بود . علاقہ داران یا حکام محلی در بدست

(٦٠)

آوردن و دستگیر نمودن این چنین اشخاص تشبثات لازمه قانونی را بعمل
نیاورده بودند و حکام مافوق یا حکام اعلی و نایب الحکومه های مربوطه
شان آن اشخاص را دستگیر نمایند و یا حکام و حاکم اعلی و نایب الحکومه
های دیگر ولایات واقف شده معرفی شان را بکنند و یا همچنان بذرایع
دیگر بحکومت مرکزی معلوم شوند چون علاقه داران و حکام محلی
بمراقبت این مسئله در حال و ذمیفه خود غفلت و یا چشم پوشی نموده اند
بنام علیّه بواسطه غفلت شان از ماموریت طرد می شوند .

(٣) مامورینکه مجزای حبس تعزیری حقوق الله محکوم میشوند هر گاه مطابق
ماده (٧) نظام نامه اساسی از جزا معاف شوند عزل آنها نیز تسامح
بعفو جزا بوده بماموریت حکومت قبول شده می توانند هر گاه در احکام
تنها عفو حبس تخصیص شده باشد ازین قاعده مستثنی است .

مورخه اول جوزا ١٣٠٦



از روی این (غلطنامه) آن اغلاطیکه درین نظامنامه جزای عمومی در مطبیه
واقع شده تصحیح کرده شود

ردیف	جین طبع شده	جین خوانده شود	ردیف	جین طبع شده	جین خوانده شود
۴	۱۷ مجلس مشاوره	۱۱	۲۲	بجزی فعل	به جزای فعل
۵	۱ یکل	۱۲	۱۱	خودها	خودها
۶	۵ مجلس مشوره	۱۳	۵	نمی توانند	نمی تواند
۷	۵ وزارت عدلیه	۱۴	۱۲	بمحکم قاضی	بمحکم قاضی
۸	۱۲ معاش شان	۱۴	۱۲	تحریری باشد	تحریری باشد
۹	۱۷ جز بصورت	۱۴	۱۴	یا شفاهی	یا شفاهی
۱۰	۵ ساترانه	۱۴	۱۴	شده بحضور	شده ، گرفته
۱۱	۵ بقی مانده	۱۷	۱۷	بمضور قاضی	بمضور قاضی
۱۲	۱۳ کرد	۱۷	۱۷	نشکنند	نشکنند
۱۳	۱۴ ماخوذ هست	۱۵	۱۵	اما در تفر برای	اما در تفر برای
۱۴	۱۵ اگر مجرمه	۱۶	۹	حصه ورنه	حصه باقی ورنه
۱۵	۵ زن بود	۱۶	۵	بدل می گردد	بدل می گردد
۱۶	۵ شان	۱۶	۱	بافساد	یا بالفساد
۱۷	۵ شان	۱۷	۵	دو چراغ موتر و	دو چراغ موتر و
۱۸	۱۵ نبوه	۱۸	۸	یا یکی	یا یکی
۱۹	۷ بصرف نقوذ	۱۸	۸	تخریب	تخریب
۲۰	۱۷ فرعاً ذی مدخل	۱۷	۱۷	در جدا ساختن	در جدا ساختن
۲۱	۱۷ مدخل	۲۰	۵	و اگر	و اگر
		۲۱	۲۱	مجروح کرد	مجروح کردند

از روی این (غلطنامه) آن اغلاطیکه درین نظامنامه جزای عمومی در مطبعه
واقع شده تصحیح کرده شود

چنین طبع شده	چنین خوانده شود	شماره	تصحیح	چنین طبع شده	چنین خوانده شود	شماره	تصحیح
مطوعه یا عد	مطبوعه یا غیر	۳	۲۹	مطوعه یا عد	مطبوعه یا غیر	۳	۲۹
مطبوعه	مطبوعه	۱۰	۳۰	مطبوعه	مطبوعه	۱۰	۳۰
توزیع	توزیع	۸	۳۰	توزیع	توزیع	۸	۳۰
صرف نفوذ خاز	صرف نفوذ نمایند	۱۰	۳۱	صرف نفوذ خاز	صرف نفوذ نمایند	۱۰	۳۱
سلاح و ساخط	سلاح و سائره	۲۰	۳۱	سلاح و ساخط	سلاح و سائره	۲۰	۳۱
میشود	میشوند	۲	۳۲	میشود	میشوند	۲	۳۲
و الماس	و التماس	۷	۳۳	و الماس	و التماس	۷	۳۳
بآتش زدن	بآتش زدن	۳	۳۴	بآتش زدن	بآتش زدن	۳	۳۴
امر اجبار	امر و اجبار	۱۲	۳۵	امر اجبار	امر و اجبار	۱۲	۳۵
میشود	میشوند	۱۲	۳۵	میشود	میشوند	۱۲	۳۵
شراب او	شراب آنها	۱۴	۳۶	شراب او	شراب آنها	۱۴	۳۶
شرابش	شراب آنها	۱۵	۳۶	شرابش	شراب آنها	۱۵	۳۶
همه قواعد	همه این قواعد	۱۷	۴۰	همه قواعد	همه این قواعد	۱۷	۴۰
این فصل	در نظامنامه	۱۷	۴۰	این فصل	در نظامنامه	۱۷	۴۰
حادث شود	حادث شود	۹	۴۱	حادث شود	حادث شود	۹	۴۱
داشته باش	داشته باشند	۳	۴۲	داشته باش	داشته باشند	۳	۴۲
یکی را ضرب	یکی را ضرب و	۱	۴۳	یکی را ضرب	یکی را ضرب و	۱	۴۳
وجرح آید	وجرح آید	۱	۴۳	وجرح آید	وجرح آید	۱	۴۳
فصاص	فصاص	۱۰	۴۴	فصاص	فصاص	۱۰	۴۴
اشیائی که	اشیائیکه	۲	۴۴	اشیائی که	اشیائیکه	۲	۴۴
تحکم	تحکم	۹	۴۵	تحکم	تحکم	۹	۴۵
حکم	حکم	۱۱	۴۵	حکم	حکم	۱۱	۴۵

از روی این (غلطنامه) آن اغلاطیکه درین نظامنامه جزای عمومی در مطبعه
واقع شده تصحیح کرده شود

کتاب	فصل	تصحیح	کتاب	فصل	تصحیح	کتاب	فصل	تصحیح
چنین طبع شده	چنین خوانده شود		چنین طبع شده	چنین خوانده شود		چنین طبع شده	چنین خوانده شود	
ریختن	ریختن	۶	۵۳	و اگر	۱۰	۴۴	والا اگر	
مایملک آنها باو نشان	مایملک برو	۱۶	۵۷	برای اعتراف	۲	۴۶	ای اعتراف	
وارد گردیده که حکم آن	وارد گردیده که حکم آن	۴	۵۸	کنانیدن	۴	۵	کائیدن	
تا به از تصویب	که تا به از	۶	۵	و نشان علاوه آتیز بر	۳	۴۷	مامورین	
قانونی و منظوری	تصویب و منظوری			مامورین بودند	۴	۵	بود	
به جزای	بخزای	۹	۵	پیش	۱	۴۸	میش	
تبدیل ماده ۱۹۱	تبدیل ماده ۱۷۳	۲	۵۹	بر محافظه	۵	۵	سر محافظه	
درست و روشناس	درست و روشناس	۴	۵	محبوس	۲	۵	محبس	
نمحریر	نمحریر	۶	۵	بی پروائی	۵	۵	بی پروائی	
در آن منطقه رفته	در آن منطقه رفته	۱۱	۵	نمایند	۱۶	۵	نمایند	
قاضی موقی	قاضی موقی	۱۳	۵	و مطابق	۱۱	۵۰	به مطابق	
دزدی	دردی	۱۵	۵	حال	۱۸	۵	حل	
داره بازی	داره مازی	۲۰	۵	به اكمال	۵	۵۱	بكمال	
موجود بوده	موجود بوه	۲۱	۵	در بین اهالی	۶	۵۲	در بین اهالی	
				عنه اللزوم	۷	۵	عنه اللزوم	
				و به دیگر	۱۶	۵	و دیگر	
				سرقت اموالی که	۱۸	۵	سرقت	
							مولسکه	

